نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ،اقتصادی ورزشی

هشت صفحه ۵۰ تومان

شماره بیست و دوم - یکشنبه ۲۲ آذر ماه ۱۳۷۷

سلامی و کلامی ...

موانع تشکیل شوراهای کارآمد

صفحه ۲

دکتر صادق زیباکلام، استاد دانشگاه و صاحبنظر مسائل سیاسی در مصاحبه با نسیم جنوب:

آنچه که باعث مشکل آفرینی در دولت خاتمی می‌شود فقدان برنامه منسجم و پخته‌ای است که دارد خود را می‌نمایاند.

دکتر حق‌شناس، مدیرکل امور سیاسی وزارت کشور در مصاحبه با نسیم جنوب:

تشکیل شوراها، وفای به عهد رئیس جمهوری با مردم است

صفحه ۲

بیت‌خوانی در مراسم عزاداری

صفحه ۴

حسن زنگنه، مترجم توانا وسختکوش بوشهری:

تاریخ سند است ونمی‌توان در سند تصرفی کرد



بوشهر ـ عکس از هوشنگ عباسی

انتخابات شوراها و سخنی با مردم و نمایندگان مجلس

صفحه ۸

نامه سه تن از نمایندگان دانشجویان:

مسئولین دانشگاه آزاد بوشهر در حد توان با مشکلات برخورد کرده‌اند

اعتراض ۸۵ نفر از شکارچیان به برخورد دوگانه مسئولین استان درباره صید پرندگان شکاری

همزمان باگرامیداشت سالروز تصویب قانون اساسی

حمایت مجدد انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوشهر از رئیس جمهوری

در یک نامه سرگشاده

درخواست ۱۴۶ تن از دانشجویان دانشگاه آزاد بوشهر برای بازگشت به کار رئیس دانشکده علوم انسانی

سلامی و کلامی....

یونس قیصی‌زاده

موانع تشکیل شوراهای کارآمد

سابقه بحث شوراها در ایران را می‌توان از انقلاب مشروطه سراغ گرفت. «انجمن ایالتی و ولایتی» که بعد از انقلاب تحت عنوان شوراها مطرح شد، از آن جمله است که در صد سال اخیر امکان ظهور نیافته است. عدم استقبال از شوراها و به اجرا درنیامدن آن را می‌توان با توجه به شرایط خاص ایران تبیین نمود.

تمرکزگرائی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی از جمله گرایشهای عمیقی است که در کشور ما ریشه دوانده است. تفکر سیاسی تمرکزگرایانه همواره در دید سیاسی ایرانیان وجود داشته است. هنگامی که تصمیم در مورد جزئی‌ترین امور یک منطقه در دولت صورت می‌گیرد، خودبخود بحث «قیم» بودن دولت بوجود آمده و تمرکزگرائی شدید تاریخی را رقم می‌زند. پذیرش سلسله مراتب و تمرکزگرائی نتیجه تاریخ دو هزار ساله حکومت استبدادی است که در آن عده‌ای محدود برای جامعه تصمیم گرفته و یک تصمیم‌گیری یکسویه و از بالا به پائین صورت پذیرفته و حاصل آن تضعیف هر چه بیشتر مقوله «مسئولیت‌پذیری» در رابطه با مردم است که مجبورند تا آن تصمیمات یکطرفه را اجرا نمایند.

این مقدمه ما را می‌کشاند به این قسمت از سخن که در ارتباط با عدم اجرای شوراها باید هم به مسئولین و نهادهای سیاسی و فرهنگی توجه نمود و هم مردم را مد نظر قرار داد.

از آنجا که با انتخاب شوراها از مدیریت و احاطه مسئولین سیاسی و فرهنگی کاسته شده و راه برای مشارکت مردم در امور تصمیم‌گیری گشوده می‌شده است و از اینرو به اقتدار غیرمشروع آنان لطمه وارد می‌آورده است، همواره آنان با تشکیل شوراهایی کارآمد و فعال مخالف بوده و سعی در حفظ تمرکزگرائی و نگهداری قدرت و تسلط خود بر امور را داشته‌اند. از طرف دیگر مردم نیز از دمکراسی فراری بوده و شانه از زیر بار مسئولیت خالی می‌نمایند. از آنجا که تصمیمات بدون حضور آنان و درباره سرنوشت آنان بدون دخالت آنان گرفته می‌شده است، بنابراین سعی می‌نموده‌اند که خود را دخیل در این تصمیمات ننموده و مسئولیتها را متوجه دولت نمایند، این فرار از مسئولیت‌پذیری هم اکنون نیز به عینه به چشم می‌خورد، نمونه ملموس آن شرکت افراد بخصوصی از اقشار محدود جامعه برای کاندیداتوری در انتخابات شوراها و یا مجلس شورای اسلامی و ... می‌باشد.معمولاً کسانی داوطلب می‌شوند که نوعی تعلق خاطر به حکومت داشته و به عبارتی اهرمی برای احساس مسئولیت نمودن در اختیار دارند.

تشکیل شوراهائی کارآمد اولین قدم در شکستن تصمیم‌گیریهای یکسویه و تمرکزگرائی مطلق است.

اما جدا از این مسائل هم‌اکنون از نگرانیهای انتخابات شوراها بحث نظارت و تأیید صلاحیت کاندیداها می‌باشد.

گرچه در این شکی نیست که همه افراد را نمی‌توان برای کاندیدا شدن مناسب دانست ولی این امر نباید باعث شود تا افراد شایسته و کاردان به کناری زده شده و گزینش سلیقه‌ای و یا جناحی در ایجاد شوراهایی سالم، محدودیت ایجاد نماید. امروزه با توجه به سابقه‌ای که در امر حذف و کنار گذاشتن افراد باسابقه درخشان و باصلاحیت از سوی هیئتهای نظارت در انتخابات گوناگون صورت گرفته است، نوعی واهمه و نگرانی شدید را برای کسانی که مایل به دخالت مستقیم در امر شوراها بوده و خود را مناسب کاندیداتوری می‌دانند، بوجود آمده است.

چنانچه نظارت شوراهای اسلامی شهر و روستا به یک نظارت استصوابی تبدیل گردد، مانع بزرگی در مشارکت، دمکراسی حقیقی و شادابی مردم برای حضور در انتخابات بوجود می‌آید. تنوع افراد کاندید شده و در نتیجه گوناگونی افکار و گرایشهای عرضه شده زمینه بسیار مناسبی برای مشارکت بیشتر مردم در صحنه‌های انتخابات شوراها را بوجود می‌آورد.انتخابات ریاست جمهوری که در آن نسبتاً چند گرایش فکری به آراء مردم گذاشته شد، تجربه موفقی برای انتخابات بعدی است.

در حال حاضر گرچه ۳ نماینده استان بوشهر در مجلس که هئیت نظارت استان را در انتخابات شوراها تشکیل می‌دهند، اظهار داشته‌اند که سعی دارند تا در این انتخابات از برخوردهای جناحی به کنار مانده و بی‌طرفانه عمل نمایند (که البته انتظار نیز این است) اما از آنجا که برای هر شهرستان نیز از طرف این نمایندگان افرادی بعنوان هئیت نظارت شهرستان معرفی می‌شوند و معمولاً این افراد نیز از جمع ستادهای تبلیغاتی نمایندگان برگزیده می‌شوند، بسیار ضروری است که به این افراد نیز گوشزد شود که اختلافات دوران انتخابات مجلس را به کناری گذاشته و به بهانه‌های واهی برای افراد غیر همسو و رقیبان گذشته خود مشکل ایجاد ننمایند.

همچنین توجیه هیئتهای اجرائی و مراکز تأییدکننده داوطلبین در اعراض از برخورد سلیقه‌ای و تنگ‌نظرانه و بسته می‌تواند نقش مهمی در مشارکت بیشتر مردم داشته باشد.

دکتر حق‌شناس، مدیرکل امور سیاسی وزارت کشور در مصاحبه با نسیم جنوب:

تشکیل شوراها، وفای به عهد رئیس جمهوری با مردم است

درباره اهمیت انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، خبرنگار نسیم‌جنوب مصاحبه‌ای با دکتر محمدجواد حق‌شناس، مدیرکل امور سیاسی وزارت کشور، انجام داده است که در زیر می‌خوانید:

□ لطفاً در مورد نقش شوراها در مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم توضیح دهید.

● همانطور که اطلاع دارید یکی از وعده‌های انتخاباتی جناب آقای خاتمی، وعده‌ای بود که در قانون اساسی داده شده و آن تشکیل شوراها است که اداره امور مردم توسط خود مردم است. در دین اسلام به امر شوراها اهمیت بسیاری داده شده است و پیامبر اسلام نیز به این امر توجه زیادی نموده و در بسیاری از موارد با مردم و نخبگان مشورت می‌نموده است و از مشارکت آنان بهره می‌گرفتند.

و قانون اساسی کشورمان نیز با الهام از همین مسئله و با توجه به رهنمودهای حضرت امام به این مسئله اهمیت خاصی داده است.

جناب آقای خاتمی با حضورشان در صحنه انتخابات، تشکیل شوراها را در رأس کارهایشان قرار دادند و تصمیم جدی در عمل نمودن به آن دارند.

خوشبختانه با آمدن آقای موسوی لاری وزیر محترم کشور، ما شاهد فراهم آمدن زمینه برگزاری انتخابات شوراها در هفتم اسفند سال جاری هستیم.

□چند نفر به عضویت شوراهای اسلامی شهر و روستا برگزیده خواهند شد؟

● پیش‌بینی می‌شود که در این انتخابات بیش از یک میلیون نفر خود را کاندید نمایند که از میان آنان ۲۰۰ هزار نفر انتخاب خواهند شد.

□اندکی نیز درخصوص وظایف شوراها توضیح دهید.

● یکی از مهمترین وظایف شوراها در شهرها، انتخاب شهرداران است، نظارت بر کار شهرداری و سیاست‌گزاریهای امور شهری اعم از مسائل فرهنگی و اجتماعی شهر و همینطور مسائل عمرانی آن از مسائلی است که مورد عنایت شوراها قرار خواهد گرفت. و همینطور انتخاب دهیاران نیز توسط شوراهای اسلامی روستا صورت می‌گیرد.

همزمان باگرامیداشت سالروز تصویب قانون اساسی

حمایت مجدد انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر از رئیس جمهوری

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم‌پزشکی طی اطلاعیه‌ای با گرامیداشت سالروز تصویب قانون اساسی ، حمایت دوباره خود را از رئیس جمهوری اعلام نمود.

در قسمتی از این اطلاعیه آمده است : «عدم پایبندی به قانون اساسی به هرج‌ومرج و یا استبداد و انحصار منجر می‌شود و در جایی که قانون مظلوم واقع شود گروههای فشار و هرج‌ومرج‌طلب متولد می‌شود و تولد نامیمون این گروهها برابر است با هرج‌ومرج در کل جامعه.برای گریز این ورطه خطرناک هیچ راهی بجز تن دادن به نظم مورد قبول جامعه به عنوان یک میثاق ملی اعم از آنکه با آن موافق باشیم و یا موافق نباشیم نیست. پذیرش قانون اساسی مانع از هرج‌ومرج و استبداد است و پذیرش آن سبب می‌شود امنیت درونی و اجتماعی در جامعه حاکم شده و برای فرد آرامش درونی و امنیت بوجود آید و نیز ثبات و آرامش در جامعه تحقق یابد.

امروز نظم در قانون اساسی متجلی است و ما به لحاظ پایبندی شرعی به اسلام و به عنوان انسانهای با تمدن خواستار نظم و پیشرفت هیچ چاره‌ای نداریم جز آنکه به مبنای نظم تن دهیم و تنها راه مبارزه با استبدادزدگی و قانون‌گریزی فقط قانون‌مداری است.

انجمن اسلامی دانشگاه علوم‌پزشکی بوشهر با گرامیداشت سالروز تصویب قانون اساسی ۱۲ آذرماه حمایت خود را از رئیس‌جمهوری محترم که همیشه مدافع قانون اساسی بوده و هستند اعلام می‌دارد و از دولت آقای خاتمی بخصوص هیئت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی می‌خواهد که تلاش خود را در جهت نهادینه شدن قانون در تمام سطوح جامعه و برای تمامی افراد و ایجاد جامعه مدنی بکار گیرند و یک قدم از شعار آقای خاتمی یعنی «قانون در عرصه عمل» عقب‌نشینی نکند تا شاهد اجرای قانون در عرصه عمل باشیم. همچنین خواستار همکاری بیشتر قوه قضائیه و قوه مقننه با دولت در اجرای صحیحتر و کاملتر قانون اساسی در سایه نصایح مقام عظمای ولایت هستیم.»

یک توضیح

جناب آقای قیصی‌زاده، سردبیر ارجمند نسیم جنوب

ضمن آرزوی توفیق برای شما و دوستانتان در انجام وظیفه «خطیری» که بر عهده گرفته‌اید، به عرض می‌رسانم که در خبر مربوط به اسامی کاندیداهای احتمالی شوراها مندرج در «نسیم شماره ۲۱ صفحه دوم» نامی مشابه نام اینجانب درج گردیده بود که سبب گردید عده‌ای از دوستان و غیردوستان درستی یا نادرستی موضوع را جویا شوند و چون اینجانب با کاندیدای مورد نظر شما تنها تشابه اسمی دارم و به هیچ وجه در خاطر خود هم شرکت در انتخابات شوراها را نگذرانده‌ام! بنابراین در شمارهٔ بعدی قید بفرمائید که «محمد دادفر» کسی غیر از «مدیر مسئول نشریه آیینه جنوب» است. پایدار باشید

محمد دادفر(مدیر مسئول روزنامه آیینه جنوب)

برگزاری مسابقه حفظ قرآن کریم در بوشهر

به مناسبت بزرگداشت هفته بسیج، یکدوره مسابقه حفظ قرآن کریم بین خواهران علاقمند به این رشته برگزار شد. در این مسابقه که توسط کانون کوثر وابسته به مهد قرآن استان بوشهر برگزار شده بود، شرکت‌کنندگان در رشته‌های حفظ ۱ جزء، ۳ جزء، ۷ جزء با یکدیگر به رقابت پرداختند. نفرات برتر این دوره بدین شرح می‌باشند: ۱ـ رشته حفظ ۱ جزء: مرجان بشارده، اسماء ره‌انجام، زکیه ره‌انجام ۲ـ رشته حفظ ۳ جزء: زهرا بحرانی نفر برتر ۳ـ رشته حفظ ۷ جزء: محدثه فرامرزی اول، مریم بختیاری دوم

جشن قرآن در بوشهر

به مناسبت فرا رسیدن نیمه شعبان‌المعظم مقارن ولادت باسعادت حضرت حجت‌بن‌الحسن‌العسکری (عج)، در مراسم جشنی که در مهدیه امام خمینی برگزار شد، ۴۹ نفر از حافظان مهد قرآن کریم شهرستان بوشهر موفق به دریافت کارت و گواهینامه خود شدند. مراسم اهداء که باحضور نماینده محترم ولی فقیه مسئول مهد قرآن استان بوشهر برگزار شد، یک نفر موفق به دریافت گواهینامه ۷ جزء و ۴ نفر موفق به کسب گواهینامه ۳ جزء و همچنین ۴۲ نفر نیز موفق به دریافت گواهینامه ۱ جزء گردیدند.

غرق شدن یک ماهیگیر در دریا

تعدادی از ماهیگیران بخش ساحلی دلوار (محمدعامری) که جهت ماهیگیری به دریا رفته بودند به علت وضعیت بد جوی دچار مشکل شدند که یک نفر از آنان بنام روح‌الله رستمی در دریا غرق و یک نفر نیز بنام امین حاجی‌نژاد مفقود گردیده است. تلاش شبانه‌روزی برای نجات آنان توسط مردم محمدعامری به نتیجه‌ای نرسید و جسد روح‌الله رستمی نزدیکی خور باشی و محمدعامری بطور مشکوکی پیداشد،که توسط نیروی انتظامی و بستگان وی به بیمارستان برازجان اعزام، که پس از کالبدشکافی به خاک سپرده شد.

برگزاری سمینار جوان و مسئولیت‌پذیری

در هفته گذشته کانون سمینارهای انجمن جوانان تشکیل جلسه داد و موضوعات و عناوینی با حضور دکتر پولادی و خلیلی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مورد بررسی قرار گرفت و دو عنوان بالاترین رأی آورد که عبارت بودند از: جوان و مسئولیت‌پذیری و نقش موسیقی در روحیه جوانان که با توافق اعضاء عنوان جوان و مسئولیت‌پذیری انتخاب شد که قرار است این سمینار در روز ۲۸ آذر در سالن شهید باهنر برگزار گردد.

انتشار دو هفته نامه جدید در بوشهر

ظرف چند هفتهٔ اخیر دو هفته‌نامه «نصیر بوشهر» به صاحب امتیازی و مدیرمسئولی حسن لاوری و «لیان» به صاحب امتیازی و مدیر مسئولی شکرالله عطارزاده به خانوادهٔ مطبوعات بوشهر پیوسته‌اند. نسیم‌جنوب ورود آنها را تبریک گفته و از خداوند متعال آرزوی توفیق این برادرانرا در ارتقاء سطح علمی و فرهنگی مردم عزیز بوشهر خواستار است .

مدیرعامل شیلات ایران در مصاحبه با نسیم جنوب:

۴۷۰ میلیون تومان سهم استان بوشهر برای تکثیر و پرورش میگو در سال جاری

پرورش ماهی در قطعات ۱/۵ هکتاری در عوض پرورش آن در مجتمع‌های ۲۰ هکتاری موجب اشتغال‌زائی بیشتر می‌شود و از سال آینده این طرح در رود حله و نیز ۷۰۰ تا ۸۰۰ هکتار زمین از گناوه تا بندر ریگ انجام می‌پذیرد.

مهندس جلالی مدیر عامل شیلات ایران ضمن بیان این مطلب در مصاحبه با خبرنگار هفته نامه نسیم جنوب افزود: ما طرحهای حیاط خلوتی تکثیر نیز داریم که از سال آینده به مرحلهٔ اجرا درمی‌آید.

در این طرح قرار بر این است که مراکز تکثیر و پرورش کوچک میگو در خانه‌های روستائی انجام پذیرد و در حدود یک میلیون پست لارو تولید نماید. و همچنین در پاسخ به این سؤال که چرا وامهای مزارع تکثیر و پرورش میگو در سال جاری تاکنون پرداخت نشده افزود:

امسال یک مقدار آئین‌نامهٔ تبصره ۳ بودجه با تأخیر به تصویب رسید و بر این اساس سهم استان بوشهر نیز ۴۷۰ میلیون تومان می‌باشد که در آینده نزدیک در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

ایشان در پاسخ به این سؤال که چرا ظرفیت بهره‌برداری حوضچه‌ها تاکنون به حد مطلوب نرسیده و ما به جای ۲۴۵۰ تن فقط ۳۶۰ تن میگو برداشت کرده‌ایم گفتند: این کار، کار حساسی است و باید تجربه شود و کسانی که دست‌اندرکاران موضوع پرورش میگو می‌باشند باید به دانش فنی روز مجهز شوند و به همان اندازه که ایران می‌بایست به صورت یک کشور پیشرو در صنعت پرورش میگو درآید به همان اندازه نیز مدیران این شرکتها و آنهایی که در بحث تکثیر و پرورش میگو هستند باید دانش فنی داشته باشند تا انتظارات را تأمین نمایند. البته این را هم بگوییم که آن کشورهایی که ۲/۵ تا ۳ تن در هکتار در سیستمهای غیرمتارکم تولید میگو دارنده ۱۵ تا ۲۰ سال تجربهٔ کار دارند و در ثانی کسانی هم که در کار پرورش میگو در اینگونه کشورها هستند تخصص آکادمیکی دارند و در این زمینه‌ها کار کرده‌اند. اما ما در ایران کمتر کسانی را داریم که در این زمینه‌ها کار کرده باشند.

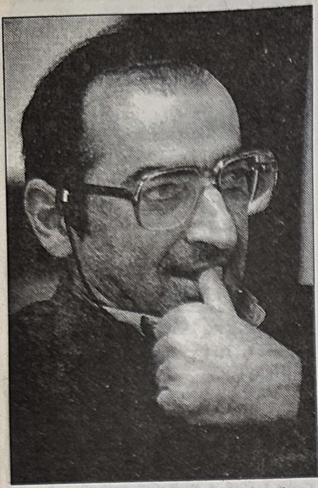
وی در پایان پرورش تاس ماهیان (ماهیان خاویاری) را به جهت آنکه ذخیره و دریای خزر جوابگوی نسل کنونی و آینده نمی‌باشد، را از دیگر اهداف شیلات ایران دانستند.

جشن فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری دانشگاه آزاد

جشن فارغ‌التحصیلان رشته حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر برگزار شد، در این جشن ابتدا دکتر امامی رئیس دانشگاه طی سخنانی ضمن تبریک به فارغ‌التحصیلان این رشته و با اهیمت خواندن برگزاری چنین مراسماتی، خواستار استمرار آن شد.درپایان‌به فارغ‌التحصیلان‌ممتازاین‌رشته‌هدایایی تقدیم شد.

دکتر صادق زیباکلام، استاد دانشگاه و صاحبنظر مسائل سیاسی در مصاحبه با نسیم جنوب:

آنچه که باعث مشکل آفرینی در دولت خاتمی می‌شود فقدان برنامه منسجم و پخته‌ای است که دارد خود را می‌نمایاند.



«به کوشش مژگان دلیلی»

قسمت پایانی

□ ارزیابی شما به عنوان یک صاحب نظر علوم سیاسی از عملکرد دولت آقای خاتمی چیست؟

● در حال حاضر برای قضاوت و ارزیابی کردن دربارهٔ دولت آقای خاتمی خیلی زود است. اما من سعی می‌کنم در چند حوزهٔ جدا قدری موضوع را تحلیل کنم.

به نظر من تا آنجا که موضوع مربوط به حوزهٔ فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می‌شود، باید به آقای خاتمی نمرهٔ بیست را داد. آقای خاتمی در این حوزه‌ها انصافاً با تمام توان کار کرد و موفق هم بود. یعنی ایشان بر سر تمام آن پیمانهایی که با رأی‌دهندگان بسته بود، ایستاد و در هر فرصتی که دست داد خیلی محکم از جامعه مدنی، توسعهٔ سیاسی، قانون، آزادی مردم و مشارکت مردم دفاع کرد. هر چند که ممکن است هنوز نتوانسته باشد آنها را کاملاً محقق نماید. که البته قابل درک هم هست. در حوزهٔ سیاسی خارجی هم نمره ایشان بسیار بالاست، همینکه ایشان به دیگران حمله نمی‌کند. همین که ایشان دیگران را قبول کرده، دیگرانی که می توانند باشند ولی مثل ما فکر نکنند بسیار عالی است. همین که ایشان این لحن مثل استالین را که می‌گفت: «هر کس با ما نیست دشمن ماست» را از سیاست خارجی ما کنار گذاشت، و در حد و حدود بین‌المللی با دیگران گفتمان برقرار کرد دیگرانی که حتی مخالف ما هستند و ما هم با آنها مخالفیم، همین یک تحول بنیادی در سیاست خارجی ماست. ایشان موفق شده‌اند بر دستگاه سیاست خارجی، سیاست تشنج‌زدائی را حاکم کنند، روابط ما باهمسایگان خلیج‌فارس خیلی خوب شده، روابط ما باکشورهای اروپایی به طرز جالبی توسعه و ترقی پیداکرده و - واینها همه در مدت کوتاه ۱۵-۱۴ ماه انجام پذیرفته.پس در این حوزه هم نمره ایشان ۲۰ است. اما در جایی که من اعتقاد دارم آقای خاتمی اصلاً موفق نشده است، متأسفانه حوزه اقتصادی است و نمرهٔ ایشان در این حوزه بسیار پائین است. منتها من که با این قاطعیت ایشان را مردود می‌کنم انصاف هم هست اگر بگویم، بخش قابل توجهی از مردودی ایشان متوجه خودشان نیست.

من می‌خواهم وارد استراتژی جناح راست در این مورد بشوم. چون حوزهٔ اقتصادی یکی از مهمترین حوزه‌ها بود. محل انجام مانور جناح راست شد. سلاح جناح راست در این نبرد این بود که بگویند:

«ای مردم! دولت آقای خاتمی هنوز بعد از گذشت این همه مدت نتوانسته در زمینه اقتصادی کار مثبتی بکند. تورم، گرانی، بی‌پولی و فقر دارد غوغا می‌کند وضع اقتصادی خرابتر شده که بهتر نشده. داریم مقروضی می‌شویم و ...» و در کنار این حرفها برای خودش هم تبلیغ بکند.یعنی نه تنها می‌خواهد آقای خاتمی را از عرصه بیرون کند بلکه می‌خواهد بگوید: «هر چند انتخاب شما غلط بود اما ما و همه ابزارآلاتی که در دست داریم از شما و انتخابتان حمایت کردیم، کمک کردیم و تلاش کردیم تا به اهدافتان برسید، اما شما موفق که نشدید،هیچ ضرر هم زده‌اید.» و بعد این موضوع را مطرح می‌کنند که بخشی از توسعه سیاسی و آزادی مطبوعات و جامعه مدنی، شوراها و احزاب و ... که تمام همت دولت خاتمی

تاکنون آقای خاتمی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی انصافاً با تمام توان کارکرده و موفق بوده. ایشان بر سر تمام آن پیمانهائی که با رای دهندگان بسته بود ایستاد و در هر فرصتی که دست داده خیلی محکم از جامعه مدنی، توسعه سیاسی، قانون، آزادی مردم و مشارکت مردم دفاع کرد.

برای آنها صرف شد، مغایر شرع است چون به بی‌بندوباری، به زیر سؤال رفتن مذهب و دین و به خدشه‌دار شدن باورهای اعتقادی مردم منجر می‌شودو بخش دیگری از آن هم به ... هرج و مرج، گرانی و ... ختم می‌شود. آقای خاتمی هر چند آدم خوبی است، اما دارد چوب توسعهٔ سیاسی را می‌خورد. این توسعهٔ سیاسی است که وضع اقتصاد را به اینجا کشانده. شما اگر به سر مقاله‌های کیهان و رسالت بطور جدی نگاه کنید و به صحبتهای مغز متفکرهای راست یا مهندس باهنر و آقای لاریجانی و ... خوب دقت کنید می‌توانید تلویحاً بفهمید که آنها دارند این معادله را طرح می‌کنند که توسعه سیاسی مساوی است با خراب شدن وضع اقتصادی. بنابراین علاوه بر اینکه سعی دارند جلوی پای آقای خاتمی سنگ بیندازند بلکه می‌خواهند به مردم القا کنند که جامعه مدنی، توسعه سیاسی، قانون‌گرائی و ... بجز اینکه دردسر درست کند و وضع اقتصاد را خراب‌تر کند چیزی ندارد. این یک دروغ بزرگ است که دارد به شکل حقیقت خودنمائی می‌کند.

□ وجود مشکلات عدیدهٔ اقتصادی انکارناپذیر است، شما ریشهٔ این مشکلات را در چه چیزهایی می‌بینید؟

● درست است که آقای خاتمی اولویت را به توسعهٔ سیاسی داده است ولی حقیقت این است که توسعهٔ سیاسی به مشکلات اقتصادی دامن نزده است. اصل مشکلات اقتصادی از جاهای مهمتر و ریشه‌دارتری نشأت می‌گیرد. یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی کشورما فقدان امنیت، یاکمرنگ بودن قانون در حمایت از دارائی، اموال و سرمایه‌گذاری افراد حقیقی و حقوقی است. چندی پیش دکتر روحانی، نائب رئیس مجلس و دبیر شورای امنیت ملی گفت: «پولهای ایرانیان خارج از کشور که در بانکهای خارجی است رقمی در حدود ۲۰۰ میلیارد دلار است» که اگر ما می‌توانستیم تنها ۱۰ درصد از این پولها را به سرمایه‌گذاری داخلی جذب کنیم و صرف کارهای تولیدی و عمرانی کنیم واقعاً تحولی در زمینهٔ اقتصاد رخ می‌داد. اما نه تنها ما نمی‌توانیم از این پولها استفاده کنیم بلکه سرمایه‌های داخلی هم به اشکال مختلف هدر می‌رود. مشکل دیگر اقتصاد ما این است که معمولاً مصالح و منافع بلندمدت اقتصادی را فدای منافع سیاسی کوتاه‌مدت می‌کنیم. مشکل دیگر وابستگی شدید به اقتصاد دولتی است. من در جایی آماری را دیدم که واقعاً تکان‌دهنده بود. در سال ۱۳۷۵ از مجموع ۴۰۰ هزار میلیارد ریال سرمایه‌گذاری که به شرکتها و کارخانجات دولتی مربوط می‌شد تنها ۳۷ میلیارد ریال سود دربرداشت یعنی کمتراز یک درصد! و اینها همه نشان‌دهندهٔ مشکلات بنیادی زیربنائی اقتصاد ماست. یا مثلاً همین یارانه دادن دولت را ببینید ما در سال چیزی حدود یک چهارم یا یک

مشکل اقتصادی مهمترین نقطه منفی و نقطه ضعف دولت خاتمی است که من از آن بیم دارم که روزی باعث واژگونی آن بشود.

پنجم از بنزین مصرف داخلی را باید وارد کنیم چون خودمان قادر به تولید آن نیستیم. این بنزین وارداتی برای دولت لیتری ۱۲۰ تومان تمام می‌شود که آن را به لیتری ۲۰ تومان به شهروندان می‌فروشد. یعنی در ازای هر لیتر بنزین که در جایگاه پمپ بنزین زده می‌شود مصرف‌کننده درواقع دارد ۱۰۰ تومان پول هم از دولت می‌گیرد و اصلاً فرقی نمی‌کند که بنزین راکسی مصرف کند که در ماه ۳۰۰ هزار تومان درآمد دارد یا کسی که تنها ۳۰ هزار تومان درآمدش است. یعنی درست به همه مصرف‌کنندگان بنزین با هر میزان درآمد، یک مبلغ ثابتی یارانه می‌دهد که این نه عدالت است و نه منطقی است. کسانی هم که ماشین ندارند بر اساس همین منطق غلط ضرر می‌کنند یعنی نه سوبسید می‌گیرد و نه بنزین مصرف میکند! پس حق او چه می‌شود؟

من رقمهای وحشتناکی را از یارانه‌های دولتی شنیده‌ام. یکی از آنها ۱۰ میلیارد دلار در سال است که اگر آن را در دلاری ۵۰۰ تومان ضرب کنیم رقمی نجومی می‌شود! یعنی اینکه یارانه نان در سال ۵۰۰ میلیارد تومان است، دولت برای هر نان ۶۰-۵۰ تومان یارانه می‌پردازد. برای اینکه میزان ۵۰۰ میلیارد تومان را درک کنید یک مثال تطبیقی می‌زنم. کل تشکیلات عظیم دانشگاه تهران در سال با ۱۰ میلیارد تومان پول اداره می‌شود یعنی با ۵۰۰ میلیارد تومان پول می‌شود ۵۰ دانشگاه تهران را اداره کرد و این پول دارد هرز می‌رود. در دنیا هیچ اقتصادی نداریم که بر اساس این شیوه اداره شود!! سیستم اقتصادی کشور ما یک سیستم بیمار، خام، عقب مانده و عهد ناصرالدین‌شاهی است. و از این ارقام سرسام‌آور بسیار می‌شود مثال زد.

□ فکر می‌کنید برای حل این مشکل چه باید کرد؟

● نه تنها من می‌گویم بلکه سیستمهای اقتصادی کشورهای دیگر بطور عملی نشان داده‌اند که راه‌حل قضیه این است که دولت کالاها را به قیمت تمام شده بدهد اما به کسانی که درآمد کمی دارند مستقیماً کمک کند و قدرت خرید آنها را بالا ببرد.

□ فکر می‌کنید این راه‌حل در ایران عملی است؟

● البته اگر عزم و ارادهٔ ملی وجود نداشته باشد مشکل حل نخواهد شد. اگر آقای خاتمی بخواهد چنین سیستمی را عملی کند صرف نظر از مشکلات اساسی کارشناسانه‌ای که بر سر راهش قرار دارد، جناح راست هم خودش را عقب می‌کشد و می‌گوید: «ببینید، دولت دارد برای مردم مشکل اقتصادی ایجاد می‌کند...» دولتهای قبل از آقای خاتمی هم این مشکل را می‌دانستند ولی آن را حل نکردند چون دیدند سختی‌های زیادی به دنبال دارد. اقتصاد کشور ما مشکل ساختاری داد و

درست است که آقای خاتمی اولویت را به توسعه سیاسی داده است ولی حقیقت این است که توسعه سیاسی به مشکلات اقتصادی دامن نزده است. اصل مشکلات اقتصادی از جاهای مهمتر و ریشه‌دارتری نشأت می‌گیرد. یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی کشور ما فقدان امنیتی، یاکمرنگ بودن قانون در حمایت از دارائی اموال و سرمایه گذاری افراد حقیقی و حقوقی است.

تنها راه‌حل آقای خاتمی این است که مشکل را صادقانه با مردم درمیان بگذارد و بعد هم جناح راست را برای حل مشکل به چالش فرا بخواند. و سعی کند با مشارکت همگانی قدم به قدم مشکل را حل کند. مشکل اقتصادی مهمترین نقطهٔ منفی و نقطهٔ ضعف دولت خاتمی است که من از آن بیم دارم که روزی به پاشنهٔ آشیل دولت خاتمی بدل شود و باعث واژگونی آن بشود.

□ با توجه به تمام توضیحات داده شده عدم هماهنگی ظاهری هم در دولت آقای خاتمی دیده می‌شود شما این عدم هماهنگی را چطور تفسیر می‌کنید؟

□ اینکه در دولت آقای خاتمی ناهماهنگی وجود دارد درست است ولی ابعاد آن آنقدر نیست که دولت را فلج کند. ولی ذات این ناهماهنگی‌ها اجتناب‌ناپذیر است. خوب رئیس‌جمهور یکسری شعارهایی می‌دهد، سؤال این است که آیا وزرای ایشان هم به این حرفها معتقدند؟ البته بعضی‌از کسانی که با ایشان کار می‌کنند تکنوکرات هستند و مهم نیست که به آزادی معتقد باشند یا نه، مهم این است که فلان پروژهٔ صنعتی را صحیح به انجام برسانند، پُل خوبی بسازند و ... ولی عده‌ای دیگر از آنها هم بنا به دلایل مختلف ناهماهنگی‌هایی نشان می‌دهند. مثلاً آقای مهاجرانی تا قبل از بسته شدن روزنامهٔ توس هماهنگی بیشتری با رئیس‌جمهور نشان می‌داد ولی موضوع روزنامهٔ توس در ظاهر نشان داد که آقای مهاجرانی دارد کم می‌آورد. ممکن است بشود اعمال او را به نوعی دیپلماسی پنهان تعبیر کرد. مثلاً ایشان سبک و سنگین کرده‌اندو دیده‌اند در شرایط فعلی بهتر است شرایط استیضاح خود را بوجود نیاورند.

چون احتمال گرفتن رأی اعتماد ایشان صفر است. من فکر می‌کنم شاید ایشان دارند به صورت تاکتیکی و بنا به مصالحی عقب‌نشینی می‌کنند و البته الان و با این سرعت نمی‌شود درباره او قضاوت کرد. ایشان در طول دو ماه گذشته کماکان بر سر همان حرفهای سابق خود بوده‌اند و در هر حال اینها چیزهایی است که در عالم سیاسی اتفاق می‌افتد. ریشهٔ اصلی این ناهماهنگی، ناهماهنگی در ورود آقای خاتمی به رقابت انتخاباتی بود. یعنی یک برنامهٔ سازمان‌یافته در غالب احزاب مثل آنچه در غرب است وجود نداشت و همه چیز لحظه به لحظه پیش می‌آمد. رمز پیروزی آقای خاتمی هم در سیاست و استراتژی او نبود بلکه این رمز در نارضایتی و دل ناخشنودی مردم از جناح حاکم بود. این است که چون از اول برنامهٔ منظمی وجود نداشت الان دارنداز طریق آزمایش و خطا پیش می‌روند. اما در مجموع آنچه که باعث مشکل‌آفرینی می‌شود عدم هماهنگی کابینه نیست بلکه فقدان برنامهٔ منسجم و پخته‌ای است که دارد خود را می‌نمایاند.

□ ما در طیف حامی آقای خاتمی نیز ناهماهنگی و عدم برنامه‌ای واحد را می‌بینیم. شما ریشه این مساله را در چه چیز می‌بینید و چه راه‌حلی برای آن پیشنهاد می‌کنید؟

● بله، من قبول دارم که حامیان آقای خاتمی به نسبت جناح راست بسیار پراکنده هستند. عده‌ای کارگرند، عده‌ای معلم، عده‌ای دیگر روحانی و قشر وسیعی از دانشجویان و .... که در سطح حوزه‌های جغرافیایی نیز دارای هماهنگی و انسجام نیستند و درمقابل جناح راست به لحاظ سازماندهی و تشکیلات خیلی جلو است. صداوسیما، مطبوعات راست، ائمه جمعه، روحانیت مبارز، جامعه مدرسین ... که همه سازمان‌یافته و منسجم عمل می‌کنند در حالی که طرفداران خاتمی ناهماهنگ و غیرمنسجم پیش می‌روند و علت این پراکندگی هم برمی‌گردد به اینکه ما تا به حال در کشورمان فضای باز سیاسی نداشته‌ایم. جریان روشنفکری، چه دینی چه غیردینی همواره در حال اعتراض و تخریب شدن بوده است تا به حال هیچوقت بطور سازمان‌یافته و در حال حکومت کردن نبوده و تجربهٔ حکومتی نداشته‌اند و البته وجود یک حزب می‌تواند تمام این نیروهای پراکنده را ساماندهی کند و دراینباره حامیان و همراهان ایشان باید اقدام به ایجاد حزب سیاسی کنند و این نیروها را سازماندهی نمایند.

□ فکر می‌کنید آقای خاتمی برای حل این مشکلات دیپلماسی دارد؟

● من گمان نمی‌کنم ایشان دیپلماسی پنهانی داشته باشد. اتفاقاً یکی از نکات برجستهٔ آقای خاتمی همین باز بودنش است و آنکه، تقریباً آنچه در دلش می‌گذرد بر زبان جاری می‌کند و تا به الان اقبال مردم به ایشان به همین دلیل بوده است و به نظر هم نمی‌رسد که بخواهد با جناح راست وارد درگیری جدی بشود. حداقل کارش این است که بر سر مواضع اصولی و اعتقادی و بنیادی خودش ایستاده و بیشتر از آن حاضر نشده جناح راست را تحریک کند و به واکنش بیندازد.

□ آقای دکتر، ارزیابی شما از وضعیت عقب‌نگه‌داشتهٔ شدهٔ فرهنگ استان بوشهر چیست؟ در حالیکه استان بوشهر از لحاظ اقتصادی و سیاسی از موقعیت ویژه‌ای در جنوب ایران برخوردار است، ولی بنظر می‌رسد که از لحاظ امکانات فرهنگی در وضعیت اسف باری قرار گرفته باشد.

● من فکر نمی‌کنم قصد و غرض و تعمد خاصی در مورد استان بوشهر وجود داشته باشد که نگذارد استان بوشهر ترقی کند. مطلقاً دنبال چنین چیزهایی نروید، در تمام شهرها مردم فکر می‌کنند که تنها به آنها بی‌توجهی می‌شود ولی در واقع امر، در تمام شهرها حرکت خاص عمرانی و فرهنگی صورت نگرفته است. و مشکل اساسی هم این است که همیشه فعالیت اقتصادی در دست دولت بوده است و امکان پیشرفت و سرمایه‌گذاری در این زمینه برای مردم بومی هر استان فراهم نبوده است و هیچوقت لوازم مورد نیاز مردم در اختیارشان نبوده، من اعتقاد دارم به اینکه مردم بومی هر شهر بهتر از هر کسی میدانند که چه چیزی به صلاح اقتصاد آنهاست، اما اینکه چرا هیچ کار از دستشان برنیامده است دلیلش همان نداشتن قدرت اجرائی بوده است. نیروهای خودجوش که بتوانند کار و ثروت ایجاد کنند همواره دستشان خالی بوده است و امکانات در تمرکز دولت بوده و به همین دلیل شهرهای دور از مرکز، پیشرفت خاصی نکرده‌اند فلان طرح را دولت انجام داده در حالیکه اصلاً جای انجام آن در آن شهر نبوده، مخروط جامعهٔ اقتصاد ایران باید واژگون شود، یعنی باید جای رأس و قاعده آن با هم عوض شود. در این حالت مشکل اقتصادی حل می‌شود و به طبع آن مشکلات فرهنگی نیر حل خواهد شد. یک بخش از مشکلات فرهنگی با سرمایه‌گذاری در این بخش قابل حس است. ساختن فرهنگ‌سراها و دادن امکانات آموزشی و تفریحی و جذب کودکان، نوجوانان و جوانان در این بخش می تواند بخش اعظم مشکلات فرهنگی را نیز حل کند. بخش دیگری از مسائل فرهنگی برمی‌گردد به مسئله مهاجرت نیروهای بومی شهرها به مرکز کشور و جایگزین شدن آنها با مهاجران روستایی و اگر برای نیروهای شهرها و روستاها در محل زندگیشان کار و خدمات لازم وجود داشته باشدمهاجرت نخواهند کرد و فراماسیون فرهنگی شهرها هم، به هم نخواهد خورد.

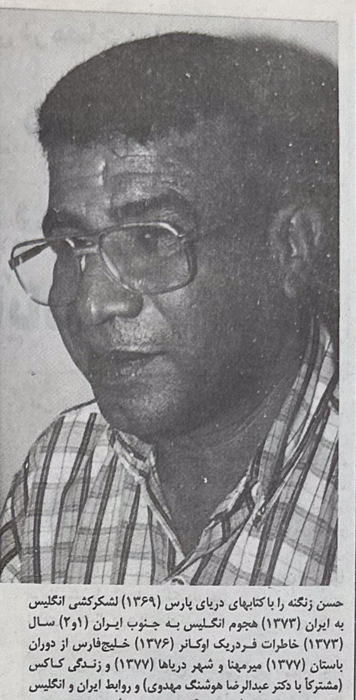
□ از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید بسیار متشکرم.

حاصل دومین جشنواره کارگاهی
کسب تجربه یا آزمون جرأت!

● هدی پوربیات ـ دانشجوی تئاتر

درود و سلام بی‌کران بر خوانندگان و دست‌اندرکاران هفته نامه نسیم جنوب
غرض از مزاحمت و تصدی اوقات شریفتان، اشاره به چند نکته پیرامون دومطلبی که در شماره بیست و یکم هفته نامه درخصوص جوابیه انتقادی که از جشنواره کارگاهی حوزه هنری توسط دو جوان بوشهری بنام غلامرضا احمدی و افشین شیرشکن چاپ گردیده بود می‌باشد. لذا نسبت به درج این نکات جهت رفع چند شبهه در ذهن نویسندگان دو مطلب مذکور طبق قوانین مطبوعات اقدامات لازم را بعمل آورید.
اولاً در این دو مطلب در خصوص ذکر نام منتقد که دال بر بی‌جرأتی نویسنده یاد شده بود این نویسندگان خوش ذوق چند سطری مانور داده بودند که باید عرض کنم که در ساحت نقد هیچ شخصی مقدس نیست و ذات نقد جرأت و ترس نمی‌شناسد. باز هم خدا را شکر که در هفته نامه نسیم جنوب بابی باز گردیده که خوانندگانی خاص این مطالب را دنبال می‌کنند و اهل فن هم، همه بر این نکته اتفاق نظر دارند که دیگر زمان شلوغ بازی در تئاتر گذشته، دیگر تماشاگر، نمایش خالی از اندیشه را نمی‌پسندد، دیگر تئاتر متحول شده. دوست عزیز که دم از درک تئاتر می‌زنید دیگر در صحنه نمایش شعارهای عاشقانه و عارفانه جواب نمی‌دهد، تئاتری که ارتباطش با مرکز که خود فرسنگها با تئاتر روز جهانی فاصله دارد قطع شده، دارد مخاطب خود را ازدست می‌دهد، چرا وقتی عزیزی می‌گوید ما در بوشهر تئاتر نداریم، به شما و ناخدای کشتیتان بر می‌خورد.
باور کنید حتی به معنی لغوی تئاتر (تماشاخانه) هم نداریم، می‌دانید چرا؟ چون فقط شعار می‌دهیم. شما و همان آقایانی که ناخدایشان خواندید تعریف واحدی از تئاتر کارگاهی ندارید، حتی مدعی این هستید که اساساً اینگونه نمایشها ابتکار خلاقیت و نوآوزی است. حال آنکه برگزاری جشنواره دومتان بسان سایر جشنواره‌های تئاتری بود و خالی از هرگونه نوآوری و ابتکار عمل. چه بسا ضعیفتر از سال گذشته. در جشنواره شما مشخص نشد که کدام بازیگر بهتر از کدام بازیگر بازی می‌کند یا کدام کارگردان برتر است. که این خود حق بعضی‌ها را ضایع می‌کند. کسی نفس عمل را رد نمی‌کند اما ای کاش از این هه پتانسیل که توسط این جوانان به قول شما عاشق صرف می‌شد به طرزی صحیح و درخور توجه استفاده می‌شد. که فقط حاصل جشنوارهٔ دوم کارگاهی کسب تجربه و آزمون جرأت نباشد و بازتابش به چند سال دیگر موکول نشود و بتوان دستاوردهایش را بازشمارد. آن هم کیفی نه کمی. امید اینگونه شود و به شما و ناخدایان کشتیتان برنخورد.

حسن زنگنه، مترجم توانا و سختکوش بوشهری:
تاریخ سند است و نمی‌توان در سند تصرفی کرد



حسن زنگنه را با کتابهای دریای پارس (۱۳۶۹) لشکرکشی انگلیس به ایران (۱۳۷۳) هجوم انگلیس به جنوب ایران (۱و۲) سال (۱۳۷۳) خاطرات فردریک اوکانر (۱۳۷۶) خلیج‌فارس از دوران باستان (۱۳۷۷) میرمهنا و شهر دریاها (۱۳۷۷) و زندگی کاکس (مشترکاً با دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی) و روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول (دو کتاب آخر زیر چاپ‌اند) و همچنین چندین مقاله در مجموعه مقالات فارس‌شناسی و کنگره سیدعبدالحسین لاری در لار می‌شناسیم. به پاس احترام به قلم بدستان این حیطه به سراغ ایشان رفتیم تا گفتگوی کوتاهی دربارهٔ تاریخ و ترجمه آثارشان با وی داشته باشیم. آنچه در زیر می‌آید چکیده‌ای از گفته‌های ایشان است:

□ از چه سالی و چگونه با زبان آشنا شدید؟
● از دهه چهل زمانی که کلاس نهم بودم یک شرکت سوئدی بنام سنتاپ در بوشهر مشغول ساختن اسکله بود آن زمان اولین بار بود که به سمت مترجم در امور اداری و بخشهای فنی در آن شرکت به کار پرداختم و اما اینکه چگونه با زبان آشنا شدم باید عرض کنم که پدرم با زبان آشنا بود و مرا ترغیب می‌کرد که با زبان آشنا شوم. چون خودم هم علاقه وافری به انگلیسی داشتم آن را نزد پدرم آموختم.
□ چرا اکثر کتابهایی که شما ترجمه کرده‌اید درباره تاریخ است که به نوعی هم با منطقه جنوب ربط پیدا می‌کند؟
● حقیقتاً من هم به ادبیات علاقه دارم و هم به تاریخ. ولی اینکه چرا بیشتر به تاریخ این منطقه پرداخته‌ام باید عرض کنم که منطقه و شهر ما از مناطق تاریخ‌ساز در ایران بوده (به دلیل تجاری بودن آن از زمان تأسیس کمپانی هند شرقی و حتی قبل از آن و همچنین اکثر وقایع تاریخی ایران به جنوب کشور ربط پیدا می‌کند)
بخاطر همین موضوع دلم می‌خواست مسائل این منطقه برای جوانان ترجمه کنم. اینها موضوعاتی بود که مرا به سمت ترجمه آثار تاریخی کشاند اما ناگفته نماند که یکی دو بار هم دست به ترجمه داستان زده‌ام.
□ ترجمه‌ای که شما می‌کنید یک ترجمه آزاد است یا تحت‌لفظی؟
● ترجمه‌ای که من انجام می‌دهم یک ترجمه تحت‌لفظی است و به هیچ وجه تصرفی در این موضوع ندارم. تاریخ سند است و نمی‌توان در سند تصرفی کرد... .
□ اما تاریخ ما همواره با دروغ همراه بوده است.
● بله تاریخ ما با دروغ همراه است پس باید روی آن کار شود و سره را از ناسره جدا کرد. این کاری که من و امثال من انجام می‌دهند به مثابهٔ ماده خامی است که در اختیار پژوهش‌گران

این کاری که من و امثال من انجام می‌دهند به مثابه ماده خامی است که در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد و تشخیص و جدا کردن موضوعات دروغ از واقعی بعهده آنهاست

قرار می‌گیرد و تشخیص و جدا کردن موضوعات دروغ از واقعی به عهده آنهاست.
□ اما چرا باید حتی تاریخ کشورمان هم ترجمه کنیم؟
● متأسفانه در کشور ما همه اهل کتاب نبوده و نیستند. در گذشته کتاب و علم در دست خوانین بوده که آنها هم برای خود کاتب داشته‌اند. یک موضوع دیگر اینکه اکثر مکانهای صنعتی و تجاری ایران در دست خارجی‌ها بوده (مثل گمرک) اگر من به شما بگویم برو دربارهٔ تاریخ گمرک بوشهر بنویس باید از پیران مطلع بپرسی چرا؟ چون گمرک در دست بلژیکی‌ها بوده، پس اسناد گمرک هم در دست آنها بوده. از طرف دیگر کلی از مسائل مهم کشور یا منطقه برای خوانین ما کم‌ارزش یا حتی بی‌ارزش جلوه می‌کرده به نحوی که حتی از کنار آنها به سادگی می‌گذشته‌اند. پس می‌بینید که حتی اسناد ما در دست بیگانگان بوده که متأسفانه آنها هم با توجه به منافع کشورشان این اسناد را تغییر می‌داده‌اند.
□ چه کسانی قبل از شما به تاریخ این منطقه پرداخته‌اند؟
● قبل از من مرحومان اسماعیل نوری‌زاده‌بوشهری، فراشبندی، رکن‌زاده‌آدمیت، و خجسته و اسماعیل رائین و آقایان منوچهر آتشی، یاحسینی، مشایخی، نبوی، ریشهری، دادفر و نظامی در این زمینه کارهای بسیار ارزشمندی کرده‌اند که واقعاً قابل توجه است.
□ یک مسئله مهم که در جامعه امروز ایران حتی جامعه روشنفکران ما وجود دارد مسئله تاریخ گریزی است، در حالیکه تاریخ زیربنای زندگی اجتماعی امروز ماست.
● به نظر من ضعف مطالعه متأسفانه در تمام موضوعات وجود دارد. نه تنها درباره کتابهای تاریخی. بهترین کتابهای ما در سه هزار نسخه چاپ می‌شود و چندین سال طول می‌کشد که تمام آنها به فروش برسد. البته کتابهای تاریخی هم به زبانی خشک و بی‌روح نوشته می‌شوند که این هم مزید بر علت می‌شود. به نظر من اگر نویسنده بتواند با زبانی صمیمی و امروزی بنویسد و در حین بیان موضوعات خشک و بی‌روح تاریخی چند داستان یا مثل بیاورد در کارش موفق می‌شود مثل جناب آقای پاریزی.
□ چرا شما این کار را انجام نمی‌دهید؟
● من تنها زمانی از خودم چیزی به متن اضافه می‌کنم که برایم مسلم شود که در موضوع دخل و تصرفی شده است حتماً می‌دانید که کسانی تاریخ ما را برای کشورشان نوشته‌اند که صاحب منصبان بودند که به کشور ما اعزام می‌شدند و تنها هدف آنها از نوشتن منافع شخصی‌شان بوده. پس باید در این زمینه تحقیقات آکادمیکی جامعی، انجام شود. می‌بینید که ما چاره‌ای نداریم جز خواندن و ترجمه همین نوشته‌ها و تحقیق درباره آنها اگر زمانی بتوانیم با رجوع به اسناد و نوشته‌های دیگر چیزهای حقیقی‌تری بدست آوریم می‌توان گفت که به تاریخ حقیقی کشور و منطقه‌مان دست پیدا کرده‌ایم که البته این کار بسیار سخت وحتی شاید بتوان گفت غیرممکن است، چرا که افراد این منطقه و کشور کمتر از خود نوشته‌اند. جان‌پری درباره میرمهنا می‌گوید که اسناد من درباره میرمهنا از کمپانی هند شرقی هلند و انگلیس و جهانگردان آن زمان بوده که همگی از او بد گفته‌اند و تنها کسی که از او حرفی نزده خود میرمهنا بوده است.

● به قرار اطلاع شما سندهای بسیاری را درباره اوضاع تجاری ـ سیاسی بوشهر در زمان مشروطیت و جنگ جهانی اول را در اختیار مرکز بوشهر شناسی قرار داده‌اید، از سرنوشت این اسناد مهم چه خبری دارید؟
□ تا آنجائی که اطلاع دارم ریاست محترم این مرکز، استاد گرامی جناب آقای نبوی این اسناد را طبقه‌بندی کرده‌اند و انشاءالله در آینده بصورت کتاب به چاپ خواهد رسید.

***

بیت‌خوانی در مراسم عزاداری

● مقاله‌ای ازگروه موسیقی محلی مروارید لیان به تحقیق محسن شریفیان

این نوع بیت‌خوانی که اغلب آن را با عنوان بیت‌خوانی وارونه (واری) یا بیت عزا می‌خوانند ویژه مراسم عزاداری می‌باشد و مانند نوع اول بیت خوانی در مراسم شادی که مقاله‌ای درباره آن در شماره ۱۹ نسیم جنوب به چاپ رسید، در اکثر نقاط استان بوشهر شنیده می‌شود. پسوند این بیت‌خوانی از آن جهت است که برعکس مجالس شاد در عزاداری استفاده می‌شود. این نمونه نسبت به بیت‌خوانی راسونه کمتر رو به فراموشی است و این به علت گره خوردن این نوع مراسم با مذهب و عزاداری و در نتیجه اهمیت بیشتری که مردم بوشهر به این نوع مراسم می‌دهند برمی‌گردد. خوانندگان این بیت‌خوانی اغلب نوحه‌خوان مذهبی هستند و این بیت‌خوانی که در اصل از محافل شادی به مجالس عزاداری کشانده شده است با همان آهنگ اولیه خود، اجرا می‌شود.
از جمله مراسم عزاداری که در آن از بیت‌خوانی استفاده می‌شود مراسم فاتحه زنانه می‌باشد. این بیت فقط برای درگذشت جوانی ناکام توسط نوحه‌خوانان زن خوانده می‌شود و چون آرزوی جشن عروسی جوان ازدست رفتهٔ خانوادهٔ عزادار به دل آنها مانده است ((معمولاً خونچه‌ای (حجله دامادی) نیز به همین مناسبت در مراسم عزاداری ترتیب می‌دهند)) نوحه‌خوان با اجرای بیت عروسی از زبان مادر یا خواهر جوان به این مسئله دامن می‌زند وبه مدد حزن و اندوه این آهنگ که اجرای آن را در مراسم عزاداری میسر می‌سازد همراه با اشعار عاطفی حاضرین را بسیار متاثر و متأسف می‌سازد.

رود جونیم چه جونن ـ مثل ماه در آسمون
مثل شمشیر در غلاف و همچو قران در میون

***

ای سربون، او سر بون ـ غالی و فرش تموم
ریش می‌گرده رود جونیم با صدو پنجاه جوون

***

نوحه‌خوان یا نوحه‌خوانان در گوشه‌ای از مراسم فاتحه‌خوانی زمانی که مراسم تقریباً آرام می‌باشد با همان ترتیب بیت عروسی که ذکر آن گذشت بدون وجود ساز شروع به خواندن بیت وارونه می‌کنند که با گریه و زاری حاضرین مجلس روبرو می‌شوند. بعد از پایان هر بیت زنهای مجلس کِل را سر می‌دهند با کِل زدن در عروسی متفاوت است. این کِل که به کِل واری یا وارونه معروف است، طولانی‌تر از کِل عروسی می‌باشدو آخر آن با جیغ زدن زنها به پایان می‌رسد. این بیت‌خوانی همینطور ادامه می‌یابد تا اینکه کم‌کم نوحه‌خوانان بطور غیر محسوسی با همان نوا از بیت‌خوانی وارد مصیبت‌خوانی می‌شوند که به شروه می‌ماند و بسیار هم غم‌انگیز می‌باشد.
نمونه‌ای دیگر از اشعار بیت‌خوانی در این مراسم مربوط به حضرت قاسم (ع) می‌باشد که به بیت حضرت قاسم(ع) معروف است.

حجله‌ات از گل ببندم یا بگویم رود رود
یا کفن کافور بیارم یا بگویم رود رود

***

ای سیه بختون بیائید جمله امدادم کنید
(واویلا) می‌شود داماد قاسم، خرم و شادم کنید

***

ای دریغا، عیش قاسم در حریم مکه بود
یا که عمش کور بود یا که بابش زنده بود

***

ای پسر عمو رشیدم پنجه‌هات از خون حنان
رسم دامادی نه اینن، رو گوشن من کجان

***

ای پسر عمو رشیدم، نو عروست امده
دختر عمو رشیدم، پای بوست آمده

***

بیت حضرت قاسم فرزند امام حسین(ع) که بسیار سوزناک است در مراسم عزاداری دیگری نیز که در ماه محرم برای امام حسین(ع) و یارانش برگزار می‌گردد خوانده می‌شود که به آن سرود هم می‌گویند. این مراسم نیز زنانه می‌باشد و درون مجلس حجله‌ای به نام حجلهٔ قاسم(ع) وجود دارد که نوحه‌خوان یا نوحه‌خوانان زن خطاب به آن از طرف زنهای اهل بیت می‌خوانند. اجرای این آواز دقیقاً مثر همان اجرا و همان خصوصیات است که در مراسم فاتحه خوانی توضیح داده شد. این ابیات معمولاً هر شب خوانده می‌شود تا اینکه در شب نهم محرم که مراسم ویژه قاسم‌بن‌حسن(ع) می‌باشد این بیت‌خوانی به اوج خود می‌رسد.



همین گونه در پایان بعضی از مراسم سینه‌زنی مردان نیز توسط نوحه‌خوان یا شخص دیگری بیت‌خوانی اجرا می‌گردد بدین ترتیب که بعد از مراسم به دعوت نوحه‌خوان، سینه‌زنها در همان محل عزاداری می‌نشینند و نوحه‌خوان معمولاً با آوازی خاص مقدمه‌ای را برای اجرای بیت‌خوانی با چنین اشعاری آغاز می‌کند.

یک دم ای محنت نصیبان، غم زدل بیرون کنید
از حنای عیش قاسم دست و پا گلگون کنید
یک دم ای زینب به شوق و شادی قاسم بکوش
طفل ناشاد حسن (ع) را رخت دامادی بپوش
کو رفیقائت که بینند سوی حجله رفتند
در شب عیشت نمایند دست خود برگردنت
تشت زیبایش بیارید تا حنایش تر کنند
یا زمرگ تازه داماد خاک غم بر سر کنند
...

این آواز از نظر فواصل و حالات اجرا مشابه دستگاه شور و آواز دشتی است، اما دارای ویژگیها و خصوصیاتی است که آنرا از دستگاه شور متمایز می‌نمایند. جملهٔ آوازی معمولاً در اجرای این قطعه از درجهٔ ششم گام شور شروع شده و پس از گردش ملودی با حالات زیبایی روی درجهٔ سوم گام (شبیه آواز دشتی) می‌ایستد و سپس ملودی با حالتی خاص روی درجهٔ اول گام شور فرود می‌آید.
بعد از این آواز که مجری اصلی آن را مرحوم محمد شریفیان می‌دانند، بیت‌خوانی شروع می‌شود، در این اجرا تمام خصوصیات و ویژگیهای بیت‌وارونه که زنها در مجلس عزاداری و فاتحه می‌خوانند مشاهده می‌شود. بغیر از اینکه اکنون در این مراسم به دلیل عدم حضور زنان در مجلس صدای کِل شنیده نمیشود.
نمونهٔ د یگر از ابیات بیت‌خوانی وارونه که به نقل از حضرت زینب(س) درخصوص مصائب کربلا خوانده می‌شود:

آمدم در کربلا ـ روزگارم شد سیا
از جفای اهل کوفه ـ شد حسینم سر جدا
با برادر رفته بودم ـ بی‌برادر آمدم
تاج بر سر رفته بودم ـ خاک بر سر آمدم
یک حسینی مانده تنها ـ در زمین کربلا
جای آبش تیر دادن ـ کوفیان بی‌حیاء

«با تشکر از اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، آگاهان محلی، اساتید و دوستان بزرگوار ـ خصوصاً دوست عزیزم آقای شهرام راویان»

نواهای لالایی و عاشقانه از فایزانه‌ها

● یونس جعفری (ی.شکیب)

پسر عمو تو خواسی مو نخواسم
به هر پیری رسیدی التماسم

وقتی در سینه‌های مادران دردکشیده بوشهری جستجو کنیم و نفسهای عاشق آنها را که بوی معطر تنباکوی محمود احمدی آنها را عطرآگین نموده است، تفحص نمائیم، عشق را می‌بینیم. می‌بینیم که فایز گاه‌گاهی در سینه‌های دردمند آنها بیدار می‌شود. آنها می‌نالند و فایز می‌سرایند:

نویسم نامه‌ای با عذرخواهی
ببندم بال مرغان هوایی
که هر کس نامهٔ ما را بخواند
فغان آرد و بیداد از جدائی

مادران بوشهری عاشقان سینه چاکی هستند که قصه عشق عزیز جوانی خود را برای عاشق بچگان جوان خود می‌سرایند و درد آنها را بانوایی مهربان و روانشاسانه درمان می‌کنند:

به قربان خط و امضای جدیدت
کدوم راه اومدی هیچ کس ندیدت

و این نغمه‌ها می‌تواند درد همه ما جوانان را التیام دهد. اگر با دیدی مهربان و با بردباری، آنها را درک کنیم وقتی در بهشت صادق بر مزار عزیزانشان نشسته‌اند و رودشان و سنگ مزار رودشان را با روداشک چشمانشان می‌شویند می‌فهمیم آنچه را که فقط دل، آنها را می‌فهمد و بس. همچنین جوانانی که با اشک چشمان و گلهای مریم و میخک و گامهای بابل و گل ابریشم، مزار مادران و پدران عزیز خود را آذین می‌بندند. آنگاه باید از دل برآریم:
خدا بیامرزتان عزیزان رفته و زنده باشید مهربانان پاینده ....

✔ حبیب جاسمی

سر مو جو گندمی، یعنی که پیر واویدُمه
مثِ اُو مونُدمِ یه سیکی ولیر واویدُمه
مثِ او کولی پیرُم که وِرَم کرده دو پاش
وُ نَس اِندازی رَه خُرد و خمیر واویدُمه
بی‌گُناه اُمده دُنیا، بِندونُم جُرمِ خومه
سی و چند ساله که تو کَلته اسیر واویدُمه
جُونی رفت وُ دسم، هیچ، نِکردُم کیفی
بِلُم خاشه که اوسو خوم، اسیو جیر واویدُمه
اَنج و ونج واوی دل و جیگر مو از دسِ خوم
سیل دارُم تو مکو با کِلُم، پیر واویدُمه
دس و پام درد می‌کُنه گیجه سِرُم، گیجه سرم
مثِ ای ویمو که لی منکه گیر واویدُمه
پیشونیم رِختِ مینش یت و مُلیت
گر که نه، طاس مثِ عامو شیخ امیر واویدُمه
جیبو ای حرفِل زَد، معنیش اما نی
که اسیو اسیو وُای زندگی سر واویدُمه

سیک: کُنج // کلته: خرابه، اینجا دنیا // آنج و ونج: خرد و خمیر // با کلم: پرافتادم // لیت و ملیت: صاف و صیف

✔ سعید نوذری

- اما دلم امروز عجب کرده هوایت
بوسیده رخ خویش در آینه بجایت
در شهر دلم آینه‌ها ساخته بودی! ...
با سنگ شکستم همه آینه‌هایت
□
ناگاه در این معرکه بیخود زخودم کرد
آهنگ پراکندهٔ پژواک صدایت:
نوشانده خوا حلق مرا شربت توحید
تا جام لبم پر شود از عشق برایت
یک بار دگر باغ دل از عطر تو پر شد
از عطر پراکندهٔ پژواک صدایت

زمزمه‌های دلتنگی

● سیدمحمدرضا هاشمی‌زاده

حس می‌کنم تمام دلم آب می‌شود
اشکم شبیه آتش و سیلاب می‌شود
عشق و امید و عاطفه و شور زندگی
در ازدحام حادثه نایاب می‌شود
گلبرگهای سادهٔ لبخند بچه‌ها
آن کم‌کم میان خاطره‌ها قاب می‌شود
آن چلچراغ روشن مهتاب دلنشین
نقش ضمیر تیرهٔ مُرداب می‌شود
آهسته در سکوت خودم گریه می‌کنم
دارد تمام زندگیم آب می‌شود

لحظه‌های رویش

● مهشید شریفیان (م.ش.رها) - شیراز

بیا در لحظه‌های سرشار از عشق،
برای عشق آلونک بسازیم
برای این غریب خیس و تنها،
زباران چتری از میخک بسازیم
به آن ماهی تنها در دل تُنگ،
ز موج دامنِ دریا بگوئیم
برای یک وجب سبزیِ این خاک،
بیا با هم بمیریم و بروئیم
بیا با پیکری سرشار از مِهر،
به هر زخمِ علف مرهم گذاریم
کنارِ خلوتِ شبهای آنها،
گُلِ شب بو و نیلوفر بکاریم
بیا شبهای بی‌مهتابِ دریا،
کنارِ ساحلی بی‌تاب باشیم
به یادِ رنجهای مردِ دریا،
ندیمِ های و خویِ آب باشیم
بیا دیوارهای کَه گِلی را
به زیرِ سبزهها جدّی بگیریم،
بیا چون زخم هر بام قدیمی،
برای رویش گلها بمیریم!
بیا در باغ باران ریز پر برگ،
به فکرِ رنج برگ از رعد باشیم
اگر این لحظه پُر زخم از زمانیم
پیِ شاديِ وقتِ بعد باشیم
بیا لبخند و اندوه جهان را
به آوازِ نئی دمساز سازیم
زطوفانهای این دریا نترسیم
به سوی مرزِ بی‌خویشی بتازیم
بیا با دامنی پُر از ستاره
انیسِ خانهٔ همسایه باشیم
به پاسِ عطرِ گلهای حیاطش
به روی شاخِ مویش سایه باشیم
برای عشق این تنهای پُر زخم
زدردِ بی‌غمی هامان نگوئیم
بیا چون سبزه در تسکین این زخم
زقلبِ صخره‌ای سنگی بروئیم

بیا یک لحظه تنها لحظه‌ای خُرد
برای عشق آلونک بسازیم،
برای این غریبِ خیس و تنها
زباران چتری از میخک بسازیم...

✔ علیرضا کاشف

(۱)
من رهگذرم، اهل همین گذرم
پس مکن حذرم، که از تو درگذرم
با تو خیال گذر، بیا و از این بگذر
که در هوای گذرت شکسته بال و پرم
(۲)
به یلدایش هزاران تاب دیدم
حجابی بر رخ مهتاب دیدم
چو دستش رفت و آن گیسو پر کشید
هزار و یک شبش در خواب دیدم
(۳)
به دیدارش چه غوغا می‌کند دل
به غوغایش تماشا می‌کند دل
چو می‌گویم بِهل این بی‌وفا را
عجب دندانه حاشا می‌کند دل
*
جز عشق تو در فطرت من هیچ هنر نیست
جز کوی تو این پای مرا پای گذر نیست
آنقدر به یلدای تو پیچ است که گویا
این شام سیه را سر گلبانگ سحر نیست

بی‌شکیب، شب

● سعید مهیمنی

با گیسوانش آرام
می‌چیند ماه،
آب را
می‌چکد از طُره گیسو
نور و ستاره
دهان می‌گشاید سنگ و صخره
دهان می‌گشاید و حنجره
پُر می‌شود از شکیب و
پُر می‌شود از غُلغُل آرام
بی‌شکیب تن خود را، شب
تا در کنارِ شطّ گذر می‌کشاند و باز
دراز می‌کشد رام و آرام
با ذره‌های بلور بر سینه و صورت
هر قطره بلور
گاه می‌گذرد تند و گدازان.

پروانه

● داریوش موذنی - شیراز

گاهی در آفتاب،
بر شانه‌های سایهٔ خود بال می‌کِشم
- تا لحظه‌ای
پرواز را به هلهله بنشیند.
ما مرغکان،
پرواز را ندیده به خود، پر شکسته‌ایم.

قصیده شیرین دوست داشتن

● فرشید فرهمندنیا

ترانه :
از تو سروده‌ام
مجموعهٔ تمام غزلها و رنگها!
زیبا - الهه رفاقت و دانایی
ویرانگر تمام غضبها و جنگها

تعریف:
از دندانهایت (فانوسهایی روشن
آویخته از دهانهٔ غاری
با نقش صد ترانهٔ شورانگیز
بر دیواره‌ها)
از لبهایت (کلید دروازه‌های بهشت
هنگامی‌که‌مست می‌کند فرشتگان نگهبان‌را/ با شربت کلام
و داخل می‌شوی
با ناز و احترام)
از حریر رقصان روحت (که اخلاق پیامبران
گلدوزی شده است
بر سطح روشنش)

ترانه:
در قحط سال عشق
من از تو گفته‌ام
در شب‌نشینی ستاره و رویا و پنجره
در شعرهای خشک و ترک خورده
در عمق حنجره
من از تو گفته‌ام

تمجید:
با طعم آفتاب و غزل
نام روشنت
جاری می‌شود / بر زبان من
گسترده باد لحظهٔ پروازت
با بالهای شعر
شعری که این همه آواز تازه را
دربرگرفته است

«بدرود، شاعر ما»

● غلامرضا(ایزد) ایزدپناهی

«به یاد حمید مصدق، به یاد جوانی»

باز این پنجره را باز گشودم، شاید
سویی از مردمک چشم عزیزی بینم
لیک بادی مسموم
ریخت خاشاک به چشمان به رَه منتظرم
دست بر چشم شدم
دست بر چشم ترم
باز آن خاطره‌ها زنده شدند
در جوانی است که رَه می‌سپرم
یاد آن دَم که تو فریاد زدی:
همگی برخیزید!
و چه برخاستنی!
یاد راهی که همه پیمودیم
یاد آن جاریِ جوشانِ زلال
یاد آن شمع، در افزودن نور خورشید
یاد آن قطرهٔ موجود در آب دریا
یاد آن اختر شبگرد به راه شیری
یاد آن برقِ نگاهِ گذرا
یاد آن دانهٔ شن در صحرا
یاد آن چشمهٔ پُر جوش که در آرزوی رودِ بزرگ
رفت و بگذشت و به دریا پیوست
یاد آن شاعر شعر من و تو
یاد آن شاعر شعر تو و ما
یاد آن «آبی، خاکستری و یاد سیاه ...

قصه دل

● ماشاءالله رضازاده

باز آمدم که قصه دل را بیان کنم
کشتی شکسته‌ام زفغان بادبان کنم
با دستهای بسته زجا برکنم زمین
پیراهن تنم علم آسمان کنم
شب را به تیغ آه شکافم که هر زمان
غوغای زندگی به رگ کهکشان کنم
بال و پرم بسوخت در اندوه پر زدن
آواز خسته‌ام به ثریا روان کنم
اسب نگاه گریه برانم به کوی دوست
عنقا صنعت میان کواکب مکان کنم

✔ رضا طاهری

خمیر دست توام ای خدای سرگردان
خطوط بیشتری روی چهره‌ام نبشان
حنای دست تو از خون سرخ رنگ من است
که دل به دست تو دادم به این بهای گران
من آن ستارهٔ دنباله‌دار مغرورم
که سرنوشت به نام تو کرد آویزان
عبور کرده‌ام از کوچه تا برانگیزم
تمام شب پره‌ها را به رقص ناگاهان
رسیده‌ام که به زانو درآورند مرا
در این دو منحنی بسته از شروع جهان
شکسته‌های مرا جمع می‌کنی حالا
که در یکایکشان عکس تست چرخ‌زنان

به بال جبرئیل

● ابراهیم بردبار

گفته به گوش پنجره بال غزل راز ما
زمزمهٔ ستاره شد شعر شب نیاز ما
فشفشه‌های آسمان نُقل و نبات گشته‌اند
شهد و عسل زچشم مه، هالهٔ بر فراز ما
شاپرکان خاطره، بر لب حوض وسوسه
هدیه به شرم می‌دهند، بوسهٔ همنواز ما
بنفشه با اذان دگر دست دعا نمی‌برد
محو هزار سجده شد در طپش نماز ما
بیا به بال جبرئیل رهی به حجله وا کنیم
مگر که بخشش کند، خدای چاره‌ساز ما

کودتای ابوالقاسم لاهوتی در تبریز

● سید قاسم یاحسینی

از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا سرکوب عشایر جنوب در سالهای ۹-۱۳۰۸، ایران یکی از سالهای پرآشوب و تنش را سپری کرد.سالهایی که با خشونت و اقتدار رضاشاه پهلوی،هرگونه حرکت یا شورش محلی و منطقه‌ای،اعم از آزادی‌خواهانه یا عصیان‌گرایانه،با قدرت تمام به خون کشیده‌شد.درباره تاریخ این سالها،که باید آن را سالهای خون و باروت نامید،به رغم سپری‌شدن ده‌ها سال هنوز میزان آگاهی مورخان بسیار اندک و جزیی است.تا همین چند سال پیش اساساً بسیاری از این جریان‌ها باید یکی از یاد رفته و متروک‌شده و یا در هاله‌ای از افسانه‌بافی و داستان‌سرایی حزبی و مسلکی دفن گشته‌بود.به هر حال چهره واقعی «حقیقت» در سالهای اخیر به همت چند تن از پژوهندگان و علاقمندان مسائل تاریخ معاصر ایران،تلاش نوینی در راستای شناخت و ارزیابی مجدد تاریخ این دوره صورت‌گرفته،در راس این پژوهشگران کاوه بیات مورخ،مترجم و محقق پرکار قراردارد(۱)

جدیدترین کتابی که از این پژوهنده در اسفند ماه ۱۳۷۶ منتشرشده «کودتای لاهوتی،تبریز،بهمن ۱۳۰۰» نام‌دارد که در زیر نگاهی فشرده و کوتاه به آن می اندازیم:

ابوالقاسم لاهوتی را همه به عنوان شاعری انقلابی و متعلق به نهضت چپ مارکسیستی می‌شناسند. و یکی از نخستین شاعرانی بود که در سبک رئالیسم سوسیالیستی شعر سرود و درمان رهایی توده‌ها و عدالت و برابری طبقاتی را در قالب شعر و غزل به فارسی زبانان عرضه کرد. درباره سالهای آغازین زندگی و حیات سیاسی و اجتماعی و خصوصاً سالهای خدمت لاهوتی در نیروی ژاندارمری هنوز اطلاعات مستند و دقیقی وجود ندارد و خلاء زیادی در این زمینه وجود دارد.خلائی که کتاب «کودتای لاهوتی» سعی در پرکردن بخشی از آن را دارد. مؤلف در مقدمه ضمن شرح دو جریان وابسته به محافل سیا C.I.A و مارکسیسم،که کوشیده‌اند هر کدام به شکلی زندگی لاهوتی را تحریف کنند،بر این ادعا است تا زندگی لاهوتی را صرفاً بر پایه اسناد متقن بازنویسی کند. بیات با استناد به برخی از اشعار دوران جوانی لاهوتی،به اثبات رسانده که او حدود سال ۱۳۰۰ شمسی گرایش چندانی به تفکرات سوسیالیستی نداشته و حتی در مقطعی از زندگی‌اش با تکیه بر تمایلات ناسیونالیستی منظومه‌ای در بیان سرگذشت پادشاهان ایران سروده و منتشر کرده‌است .(ص۸)

در آغاز فصل اول،ماجرای ژاندارمری قم،مؤلف اشارات کوتاه و فشرده‌ای به آغاز زندگی لاهوتی دارد:«... در سال ۱۳۰۵ (قمری) در کرمانشاه به دنیا آمد و با پشت سرگذاشتن دوره‌ای از دروس متعارف وقت... ذوق شعر و شاعری یافت»(ص۱۶)

نکته‌ای که متاسفانه محقق محترم درباره آغازین سالهای زندگی لاهوتی فراموش کرده‌اند به آنان اشاره کنند،هر چند به اجمال،تاثیرپذیری لاهوتی از افکار میرزا ملکم‌خان است.لاهوتی در خاطرات سیاسی‌اش،که در سالهای آخر عمر آن را تالیف کرد،در این باره چنین نوشته است: «یک روز... به روزنامه قانون ملکم برخورد کردم... مندرجات اولین شماره قانون مرا مفتون و به خود مشغول کرد... به خود گفتم :این همان آتشی است که در طلبش بودم... هر شماره‌ای که می‌رسید،در نیمه دویم شب می‌خواندیم....(۲)

تاثیر افکار و اندیشه‌های ملکم در نوجوانی بر لاهوتی به اندازه‌ای قوی و ماندگار بود که به احتمال قوی بذر تجدد وگرایش به افکار نو و حتی انقلابی را در دل او کاشت و موجب شد او دیدی انتقادی نسبت به جامعه استبداد زده عصر ناصرالدین‌شاهی پیدا کند.

درباره شرکت لاهوتی در انقلاب مشروطه و ابهامات موجود در این زمینه مؤلف می‌نویسد: «بر اساس یکی از اشعار دیوانش نتیجه گرفته‌اند که در خلال جنگ‌های مشروطه در صفحات غربی و شمالی کشور فرماندهی یکی از دسته‌های مجاهد را برعهده داشت،و شاید بر همین اساس بود که در پی فتح تهران،او نیز مانند گروهی از دیگر مجاهدان مشروطه به نظمیه یپرم‌خان راه یافت که یک واحد ژاندارم نیز داشت.(ص۱۷)

مؤلف محترم در مقدمه کتاب از کسانی که بیوگرافی لاهوتی را بر اساس اشعارش تدوین کرده‌اند خرده گرفته (ص۱)عجیب آنکه خودش در قطعه ذکر شده در همان دام افتاده‌است!

با تشکیل قوای ژاندارمری،لاهوتی به این نیرو پیوست و فعالانه در سرکوب شورش‌های محلی و برخی راهزنان شرکت جست.به دلیل کاردانی و رشادتهایی که از خود نشان داد در مدت کوتاهی به درجه «یاور»ی رسید و فرمانده ژاندارمری قم شد.

بقیه فصل اول به بررسی انتقادی نقش لاهوتی در ماجرای ژاندارمری قم در سال ۱۳۳۰ اختصاص دارد.ماحصل این فصل چنین است که لاهوتی در پی ریاست ژاندارمری قم با دخالت در امور داخلی قم «نارضایتی گروهی از اهالی قم را موجب شد....»(ص۱۹) همین دخالت کم اهمیت سرآغاز درگیریها،کشت و کشتارها و جنگ گریزهائی شد که مؤلف با استادی هرچه تمام تو به بازسازی و بازنویسی آنها پرداخته‌است.

پس از ماجرای ژاندارمری قم زندگی لاهوتی بار دیگر در ابهام فرو می‌رود.او در ماجرای جنگ جهانی نخست به همراه مهاجرین به ترکیه عثمانی رفت و سالها در آنجا به فعالیت‌های فرهنگی از جمله کتابفروشی و نشر مجله‌ای بنام «پارس» با همکاری حسن



مقدم،پرداخت. از نیمه دوم سال ۱۳۰۰ لاهوتی خود را به آذربایجان رساند و به قوای ژاندارمری پیوست.فصل دوم،تبریز دموکرات،شرح مستندی است از آغازین روزهای ورود لاهوتی به ژاندارمری آذربایجان تا تفضیل کودتای سه روزه او در تبریز.

درباره کودتای لاهوتی در تبریز پیش از این مورخان مارکسیست مطالب اغراق‌آمیزی منتشر کرده‌بودند.یکی از این مورخان حزبی ، عبدالصمد کامبخش است که درباره این حرکت و آرمان‌های آن بر این باور بود که قیام لاهوتی «آغاز یک جنبش متشکل و با هدفی بود که می‌بایستی همه نیروهای دموکرات و ضد امپریالیست آذربایجان را در خود متشکل کند.(۳)

ایوانف مورخ و آکادمیست علوم تاریخ شوروی سابق نیز درباره خواست‌های کودتا گران می‌نویسد: «آنها تقاضا می‌کردند که امپریالیستهای انگلیسی از ایران بیرون رانده شوند،اصلاحات دموکراتیک در سرتاسر کشور صورت گیرد،رضا خان از وزارت جنگ برکنار شود.(۴) اما بیات با استناد به متن اعلامیه‌هائی که توسط لاهوتی درهمان چند روز منتشر شده و با اینکه بر خلاف تلگراف‌های صادره از تبریز،ماهیت کل قیام را چیز دیگری می‌داند.او بدرستی ماهیت کودتا را اعتراض عناصری از نیروهای ژاندارمری آذربایجان در واکنش به دستور رضاخان سردار سپه،مبنی بر ادغام دو قوای قزاق و ژاندارمری،می‌داند و درباره آرمان‌های لاهوتی و اساساً کل افراد ژاندارم می‌نویسد: «در واقع سوای پاره‌ای کلیات آزادی خواهانه که وجه مشخصه بسیاری از تحرکات شورشی آن دوره بود،خواست شناسایی حقوق مادی و معنوی ژاندارمری به عنوان نیرویی متفاوت از قزاقخانه ،این حرکت محسوب می‌شد.»(صفحه ۷)

سومین فصل «فرار مسببین،سرکوب مصلحین نام گرفته که شرح تراژیک سرنوشت عناصر دست‌اندرکار کودتای نافرجام لاهوتی است».در این فصل بخشی نیز به دوران حکمرانی دکتر مصدق در آذربایجان اختصاص دارد.(ص۱۰۴ تا ۹۲)

بر اساس مندرجات این قسمت،مصدق در دوران حکمرانی‌اش در آذربایجان کوشید تا با سیاست عفو و اغماض بر شعله‌های قیام نافرجام لاهوتی آب آرامش بریزد و تا آنجایی که می‌توانست سیاست تساهل و مدارا را در پیش گیرد.بدون کمترین شک،برای پژوهندگانی که درباره سالهای زندگی مصدق در دوران آغازین کودتای رضا خان سردار سپه تحقیق می‌کنند،داده‌های مندرج در این بخش یکی از منابع دست اوّل به شمار می‌رود.

بیات در این اثر از اسناد و مدارک درجه اوّل و مستند بسیار ارزنده‌ای استفاده کرده که پیش از این هرگز مورد استفاده دیگر مورخان قرار نگرفته است.افزون بر جراید و نشریات ادواری مانند افتاب،اتحاد،ارشاد،ایران،حقیقت و قانون، مهمترین اسنادی که او از آن سود برده متن تلگراف دست‌اندرکاران ماجراست که هم اکنون در بایگانی سازمان اسناد ملّی ایران و موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران وابسته به بنیاد جانبازان و مستضعفان انقلاب اسلامی نگاهداری می‌شود.کلیه این اسناد خطی است و تاکنون در جایی منتشر نشده‌است،از این روی بهتر بود مؤلف متن این اسناد را نیز در پیوست‌های پایان کتاب می‌آورد و یا دست کم کلیشه دو سه عدد از آنها را به چاپ می‌رساند و این مطلب را هم باید متذکر شد که لاهوتی در اواخر عمر خاطرات زندگی پرفراز و نشیبش را نوشته و به زبان تاجیکی منتشر کرده‌است.این اثر در بیان مورخان ایرانی نیز اثری شناخته شده‌است.(مطالبی که ما درباره تاثیر ملکم بر لاهوتی آوردیم در این اثر نقل شده‌است) عجیب است که مؤلف کمترین اشاره‌ای به این اثر بسیار مهم،که به گمانم حاوی اطلاعات دست اوّلی درباره موضوع مورد بحث است،نکرده است.

مؤلف در بیان سوابق مدیریتی مخبرالسطنه نوشته:«در واقع در تمامی موارد فرمانروایی مخبرالسطنه، جز آشوب و نابسامانی حاصل دیگری به بار نیاورده بود.از نوبت اوّل ایالت او در آذربایجان که به فاجعه محرم ۱۳۳۰ تبریز منجر شده‌گرفته تا ...»(ص۸۳)

این شرح کمی نادقیق به نظر می‌رسد: به دنبال استعفای عبدالحسین فرمانفرما از حکمرانی ایالت آذربایجان دولت در سال ۱۳۲۶ هـ‌ق مخبرالسلطنه را به این سمت منصوب کرد.به دنبال کودتای لیاخوف روس مخبرالسلطنه از تبریز به سوی اروپا گریخت و دوره اوّل ایالتش در آذربایجان به پایان رسید.بنابراین پایان دور اوّل حکمرانی مخبرالسلطنه سال ۱۳۷۶ بوده نه محرم ۱۳۳۰.

به هر حال کتاب «کودتای لاهوتی به یکی از بهترین تک‌نگاری درباره زندگی و فعالیت‌های سیاسی-نظامی ابوالقاسم لاهوتی از سالهای جوانی است که کوشیده به دور از هرگونه افسانه‌پردازی و اغراق‌نویسی تاریخ را آنگونه که اتفاق افتاده‌شرح دهد؛شرحی که البته خط بطلان بر بسیاری از حماسه‌نویسی‌ها و قهرمان‌پردازی‌های ایدئولوژیک کشیده‌است.عصر،عصر ایدئولوژی‌زدایی است و به هر حال بیات هم فرزند صادق عصر خویش است.

مأخذ و یادداشتها:

۱ - کاوه بیات را باید یکی از پرکارترین،و درعین حال مستندنویس‌ترین،مورخان ایران در سالهای اخیر به شمار آورد.او با دیدی علمی، انبوه حوداث و وقایع از یاد رفته دوران رضاشاه را شناسایی نموده‌است. حرکت‌ها، شورش‌ها و جریاناتی که امروزه در کمتر کتابی حتی یادی از آنها شده‌است.

بررسی فهرست آثار او روشن می‌سازد که وی وجه همت خود را معطوف به ارزیابی دوباره در عصر رضاشاه و سالهای آغازین پس از سقوط وی کرده و با بهره‌گیری از اسناد و مدارکی که در دو دهه اخیر اجازه استفاده از آنها داده‌شد و یا در خارج از کشور انتشار یافته‌است،می‌کوشد تا تاریخ ایران در فاصله سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۲۶ را از نو بازشناسی و بازنویسی کند.در این راستا البته بیاری از «مسلمات» و «بدیهیات» تاریخهای مرسوم و رایج مورد تردید و حتی انکار قرارگرفته و سعی‌شده تا با تکیه بر اسناد دست اوّل،کل واقعیت، همانطور که اتفاق افتاده‌اند و آنطور که عده‌ای روایت کرده‌اند، بار دیگر بازسازی و مورد ارزیابی قرارگیرد.حاصل این کوشش از سالهای ۱۳۶۵ تا امروز کارنامه درخشان و پرباری است که می‌توان به منتشر کتاب‌های زیر از سری ایشان اشاره کرد. // - شورش عشایر فارس ۱۳۰۹ - ۱۳۰۸ (۱۳۶۵)// - صولت‌السلطنه هزاره و شورش خراسان،زمستان ۱۳۲۰ (۱۳۷۰)// - در آخرین روزهای رضاشاه (ترجمه):(۱۳۷۰) - فعالیت‌های کمونیستی در ایران ۱۳۱۰ - ۱۳۰۰ (۱۳۷۰)// - خاطرات دوران سپری‌شده (۱۳۷۰)// - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه (ترجمه۱۳۷۲)// - جنگ سرد،بحران آذربایجان ۲۵-۱۳۲۴ (۱۳۷۳)// - شورش کردهای ترکیه و تاثیر آن بر روابط خارجی ایران ۱۳۱۰-۱۳۰۷ (۱۳۷۴)// - قیام نافرجام،شورش لهاک خان سالار جنگ،خراسان تیرماه ۱۳۰۵ (۱۳۷۵)// - عملیات لرستان،اسناد سرتیپ محمدشاه بختی ۱۳۰۲ و ۱۳۰۶ (۱۳۷۶)// - فرمان مقاومت (۱۳۷۶)

این تنها لیست کتابهایی است که بیات در مورد دوران حکومت رضا شاه و سالهای آغازین پس از سقوط او تاکنون منتشر کرده‌است.ایشان حدود پنج کتاب دیگر هم درباره همین دوره تألیف کرده یا دردست تألیف دارد.افزون بر این از این مورخ نزدیک به ده عنوان کتاب دیگر در زمینه‌های مختلف منتشر شده‌است.مقالات زیادی نیز در این باره در برخی مجلات مانند نگاه نو،نشر دانش،گفتگو،جهان کتاب و..... منتشر گشته‌است.

۲ -اسماعیل رائین:میرزا ملکم‌خان.صفعلیشاه،تهران ۱۳۵۳ ص ۱۱۹

۳ -عبدالصمد که منبعش:نظری به جنبش کارگری و کمونیستی ایران،حزب توده ایران بی جا.۱۹۷۲ ص۲۰۸/// ۴-م.س. ایوانف: تاریخ نوین ایران.ترجمه هوشنگ نیزابی و حسن قائم‌پناه.حزب توده.بی‌جا.۱۳۵۶ ص۵۲/// ۵-مهدی بامداد:شرح رجال ایران.زوار.چاپ چهارم .تهران ۱۳۷۱ ج ع ص۱۸۵

نقدی بر مقاله گمنام دشتی

● حجة‌السلام والمسلمین سیدمحمد حسن نبوی - رئیس مرکز بوشهر شناسی

با سلام و دعای موفقیت در شماره بیست و یکم، ۱۵ آذر ماه مقاله‌ای تحت عنوان گمنام دشتی در آن هفت نامه به چاپ رسیده که پس از مطالعه مناسب دیدم تذکراتی به شرح زیر یادآور شوم:

۱- سطر ۲ کلمه «شهود» جمع شاهد است نه جمع شهید.

۲- سطر ۳ حاج شیخ بردخونی نام و شهرت خاص او ذکر نگردیده لذا معلوم نیست که وی کی باشد.

۳- سطر ۵ فایز دشتستان. اگر فایز دشتستانی است که نیست چه ربطی به بردخون دارد و اگر بردخونی است که هست چرا به دشتستان انتساب یافته؟

۴ - سطر ۶ جمله «و در رزم‌آوری و هم آوردی تا آخر جمله» این جمله ناقص است و هم مبهم زیرا معلوم نیست بردخون صاحب علم و عدالت گستری بوده یا مرحوم خالو حسین ، که هنوز اسمی از او برده نشده، کدام از این دو مورد نظر باشد خالی از نقص و نقض نیست.

۵ - سطر ۸ شهره شهر بودن با عنوان مقاله تضاد دارد

۶ - سطر ۱۳ «زادبومش» صحیح نیست «زادگاهش» درست است.

۷ - در همین سطر «متون رزمی» نه بلکه فنون رزمی.

۸ - سطر ۱۵ مبارزه اگر به معنی جنگ باشد و تن به تن نمی‌شود چرا که جنگهای خالوحسین با تفنگ و تیراندازی بوده و اگر مبارزه در زورآزمائی باشد بلی تن به تن درست است ولی مرحوم خالوحسین اهل این حرفها نبوده.

۹- سطر ۲۴ «مادر خالوحسین و مادر رئیسعلی هر دو از طایفه فولادی بوده‌اند» خیر مادر خالوحسین از طایفه فولادی نیست او دختر حاج‌محمد فخرائی از طوایف مشهور و خوشنام دشتی است که در روستاهای دشتی متفرق‌اند. حاج‌ابوالقاسم فخرائی در روستای زیدون ۱۲ کیلومتری جنوب بردخون میزیسته، این مرد ثروتمند به تقوی و پارسائی شهرت داشته. علی سمیل (اسماعیل) و برادرش محمدسمیل از رؤسای محترم دشتی شجاعت و سخاوت علی سمیل ما هنوز زبانزد مردم منطقه و خارج منطقه تا کشورهای عربی کناره خلیج‌فارس است. او و برادرش در روستای گله‌زنی و تنگ... می‌زیستند. از مطلب دور شدیم. بنابراین خالوحسین از لحاظ مادر نسبتی با رئیسعلی ندارد ولی پدرش حاج سمیل از طایفه فولادی است. طایفه یاد شده ساکن دهستان باغک تنگستان‌اند، جد اعلای آنان به نام بهزاد فرزند فولاد از فرزندش از چنارشیجون به بوشهر مهاجرت و در باغک تنگستان سکونت می‌کنند. بنابراین خالوحسین از ناحیه پدر فولادی است.

۱۰- سطر ۳۷ « مصائب روزگار خم نماید» چه چیزی خم نماید؟

۱۱- سطر ۳۸ مطالبی که از سطر ۳۸ تا آخر ۴۳ بیان گردیده وصله پاکی است که به دامان خالو نمی‌چسبد. فرصت و تفصیل بیشتری درباره مطالب مقاله ندارم.

● توضیح نسیم جنوب : پس از چاپ مقاله گمنام دشتی که درباره خالو حسین دشتی بود ، یکی از دوستان تذکر دادند که این مقاله تقریباً عیناً از کتاب:«خالو حسین بردخونی» نوشته سید قاسم یاحسینی نقل شده، که متاسفانه نویسنده از ذکر منبع مقاله خود خوداری نموده بود.

آشنائی با قلعه نایبند

● احمد دشتی

در جنوب بندر عسلویه محلی بنام نایبند وجود دارد که حکایت از تاریخ کهن و غنی دارد، در کنار آن قصر مخروبه‌ای وجود دارد قلعه‌ای است همراه با قصر که در کنار ساحل دریا واقع شده است نزدیکی قلعه از یکطرف به قصر و از طرف دیگر به ساحل دریا می‌رسد که قلعه مذکور از طرف حکومت وقت (اگر چه حاکم وقت قلعه مذکور آن دیار در ادارهٔ حاکمیت پرتغالیها بر ما معلوم نیست) جهت کنترل راه دریایی و تسهیلات معاملات تجاری احداث شده است. در نزدیکی قلعه فوق، چنین بنظر می‌رسد که آثار قلعه دیگری نیز وجود دارد که خرابه‌های آن ۴+۶ کیلومتر است و درون قلعه دو قبرستان کهنه وجود دارد، اگر چه گمان می‌رود که قبرستان مسلمین است اما بخاطر ارتباط آن دیار با خارج از کشور و نیز حضور پرتغالیها در آن دیار می‌توان آن را مورد مطالعه قرار داد. ساختمان آن شباهت به قلعه ریشهر دارد، که از ملاط گچ و ساروج و انتخاب برآمدی ، عوارض طبیعی زیستن، ایجاد برآمدگی‌های مصنوعی برای اشراف ساخته شده است.

سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به بوشهر

به تصحیح مهدی بازیار



اندر حکایت شرکت عبدالغُوص

آن شرکت پرهزینه، آن سازندهٔ سفینه، آن شرکت معظم، آن چون ساعت منظم، آن مقتدر هر نوع دِکلِ برپایی، شرکت‌الصنایع‌الدریایی، عظیم جایی بود که کارگران در آن کار می‌فرمودند و مزد نمی‌ستاندند.

و در آن وقت که به بوشهر شدم کدخائی شرکت که قرعه بنام اباسالم‌ِسالم اوفتاده بود و او امر را از ابن‌الخُبره می‌ستاند و اجابت می‌فرمود، زآن رو که هر دو در یک مکتب تلّمذ فرموده بودند و آن مکتب اندر بلاد آمریکا بود.

گویند اباسالمِ سالم رفیق و شفیق بود مرکارگران را و هرگاه که وقت کار بود شرکت را، بر درگاه می‌ایستاد و کارگران را یکدانه یکدانه بوسه برگونه می‌زد و می‌فرمود: جمالتو عشقه، و عشق هر دم فزونی می‌گرفت تا آنگاه که مدهوش می‌شد و بر زمین سقوط می‌فرمود و در کار با کارگران سخت و شدید و بی‌رحمانه مهربان بود و آنان را عزیز می‌داشت و به پاس این خصلت نیکو روایت است که از آستان غیبِ، بارجی (وسیله حمل و نقل دریایی مانند دوبه) گسلش در ابوظبی از هم بگسلید و چون سبدِ موسی بر آب می‌آمد تا به صخرهٔ جزیره‌الاخارک اصابت کرد و از آنجا نیز با شدت بیامد و در اسکله شرکت صنایع‌الدریائی مستقر شد و اندر آن بس چیزها بود که کس از سرّ آگاه نگشت الّا افراد خُبره و دانا که اندر طهران بودند و روایتی است ضعیف که اندر آن بارج تلفزیون بود و یخچال بود و فریزر بود و فیدئو و دیگر، خدای داند که چه بود.

معاندان و نوکران استکبار جهانی بر آن نام قاچَق کردند که از لفظ قیچی آمده به معنای آن که گسل بارج در ابوظبی قیچی شده یعنی بگسلیده، الله یعلم.

روایت است که شرکت را جایی بود مصفا که ورا نام «سی‌سی‌یو» و بزرگان و کُبّار در آنجای مکانی خوش بود بهر استراحت و آنجا چاشت می‌خوردند و ناشتا می‌خوردند و شام را نیز و کارگران را در سی‌سی‌یو راه نبود، لاجرم قوت را اندر سپرتاس می‌کردند و بعضی نیز اندر دستمال یزدی که گفته‌اند نانی که اندر دستمال یزدی باشد مزه را دوچندان خوشایند یابند. شرکت را خود، کار نبود و کار از شرکت تأسیسات می‌ستاند و آن نیز از شرکت نفط می‌ستاند و دکلها برپا می‌داشت در دریا و عمران می‌فرمود و بر آن شرکت ابا دارندگی سیادت می‌فرمود و او را قدرت فراوان بودند و بس زیبا دِرَم استخراج می‌فرمود و وجه را نزد خود می‌انباشت و کارگران صنایع‌الدریائی بی‌دِرَم می‌شدند. کسی گفت یا ابا سالمِ سالم چرا روزی ندهی تا شکم را جواب فرمائیم. ابا سالم سالم بفرمود:

اندرون از طعام خالی دار
تا درو نور معرفت بینی

وهم بدین سبب بود که کارگران را مدام از شکم نور ساطع بود و طعنه‌زنان شرکت، را شرکت عبدالغُوص نام کرده بودند (توضیح مصحح: ابادارندگی احتمالاً باید از اعقاب ابا سازندگی باشد ولی در نسخه‌های متعددی که مقابله شده اشاره به این موضوع نگردیده و احتمالاً در کتاب «الدارندگی و البرازندگی» اشاره‌ای بد این موضوع شده)

در مسابقات سراسری پینگ‌پنگ در بوشهر مقامی به میزبان نرسید

یکدوره مسابقات پینگ‌پنگ باحضور ۷ استان خوزستان، کردستان، گیلان، فارس، تهران، اصفهان و بوشهر و با شرکت ۴۴ بازیکن به مدت دو روز در سالن فجر بوشهر برگزار شد که در پایان افشین نوروزی از خوزستان مقام اول، عارف احمدی‌فرد از گیلان مقام دوم و محمد فرقدانی و مهدی نصرتی از اصفهان مشترکاً مقام سوم را بدست آوردند.

موفقیتی بزرگ برای یک قایقران زن بوشهری

به گزارش روابط عمومی اداره کل تربیت بدنی استان بوشهر برای اولین بار یک ورزشکار خواهر بوشهری در رشته قایقرانی در مسابقات اسیائی بانوان شرکت نمود.فریبا خالدی عضو تیم ملی قایقرانی کشور به همراه این تیم عازم مسابقات آسیائی شده است.

چه کسی مسئول ناقص‌العضو شدن من است: شهرداری بوشهر، بهداشت محیط یا ادارهٔ محیط زیست،

همانطور که می‌دانید، متأسفانه هنوز شهر بوشهر تا رسیدن به نقطه مطلوب، بسیار فاصله دارد. در همین رابطه مشکلی برای اینجانب پیش آمده که امیدوارم با درج آن، مسئولین به فکر چاره افتاده و نگذارند که دیگران نیز به سرنوشت ناخوشایند من دچار شوند.

حدود یک ماه پیش ساعت ۲ شب از محل کارم با موتور عازم منزل بودم نزدیکی‌های منزلم که رسیدم سه سگ وحشی به من حمله نمودند و مسافتی را با من دویدند. پس از آنکه من با دستپاچگی کنترل موتور را ازدست دادم و به درون جدول کوچه افتادم که متأسفانه جراحت عمیقی از جمله سوختگی پا و قطع حدود ۷۰٪ درصد بند اول انگشت دستم مواجه شدم که با تلاش به موقع و مستمر جناب آقای دکتر سجادی ریاست محترم بیمارستان تامین اجتماعی بوشهر پس از دو عمل جراحی انگشت نیمه قطع شده‌ام را به شکمم پیوند زد که جا دارد نهایت سپاس و تشکر را از وی نمایم و فعلاً هم دوران مداوا را طی می‌کنم. حال جای این سؤال باقی است که چه کسی مسئولیت این مسئله‌ای را که برای بنده پیش آمده عهده‌دار می‌شود؟ آیا در مرکز استان و جامعه‌ای که حرف از تمدن می‌باشد و در قرن ۲۱، نباید جرأت داشته باشیم شب در کوچه یا خیابانهای اصلی شهر ازدست سگهای ولگرد تردد داشته باشیم.

بنده اگر بیمه نبودم چیزی حدود ۲۰۰۰۰۰ تومان مخارج درمانی من می‌شد که این بحثی جدا دارد و یا اگر به اتفاق همسر و فرزندانم بودم چه می‌شد؟ شهرداری بوشهر یا بهداشت محیط یا ادارهٔ محیط زیست، کدامیک مسئول این سگهای ولگرد می‌باشند؟ حداقل اگر زورتان به موشهای سطح شهر نمی‌رسد فکری برای سگها بکنید.

یکی از شهروندان بوشهری «امضاء محفوظ»

اعتراض ۸۵ نفر از شکارچیان به برخورد دوگانه مسئولین استان درباره صید پرندگان شکاری

تعداد ۸۵ تن از شکارچیان استان بوشهر طی نامه‌ای به اداره محیط زیست استان بوشهر از برخورد دوگانه مسئولین استان درباره صید پرندگان شکاری و شکار آهو در استان بوشهر اعتراض کردند. متن این نامه به شرح زیر است:

سازمان محترم محیط زیست، سلام‌علیکم

احتراماً به استحضار می‌رساند که سالهاست صید پرندگان شکاری و شکار آهوها در مناطق مختلف استان بوشهر ممنوع می‌باشد و بسیاری از هموطنان و هم استانیهای ما که بنا به ضرورت و نیاز و نبود شغل دیگری جهت امرار معاش زندگی طاقت‌فرسای خود، اقدام به چنین کارهایی می‌نمودند یا به چندین سال زندان محکوم شده‌اند و یا جریمه‌های سنگین را متحمل شده‌اند و در بعضی موارد جان خود را ازدست داده‌اند. کمااینکه در مناطق دیگر کشور، حتی در حوالی تهران از این نوع شکارها آزادانه انجام می‌شود و هیچگونه قدغنی وجود ندارد، ولی متأسفانه در استان بوشهر این کار ممنوع است و جریمه هم دارد، ولی موقع گردش چند نفر از اعراب کشورهای همسایه و تفریح چند نفر از اشراف‌زادگان کشورهای عربی همه قوانین بین‌المللی که در تمام مواقع که مردم جهت آزادسازی و گرفتن مجوز جهت صید و شکار به استانداری و یا محیط زیست مراجعه میکنند به آن استناد می‌شود و در این مواقع توسط محیط زیست و استانداری زیرپا گذارده می‌شود و فراموش می‌شود و شکار و گردش در مناطق قرق و حفاظت شده استان برای اینگونه افراد در قبال پرداخت وجهی و یا اهداء یک یا چند دستگاه پاترول با همراهی مأمورین محیط زیست و نماینده استانداری آزاد می‌شود. ما امضاء کنندگان زیر مخالفت شدید خود را با این موضوع ابراز داشته و از مسئولین محترم که نمایندگان دولت کریمه جناب آقای خاتمی می‌باشند تقاضا داریم که اگر قانون است برای همه ملت یکسان باشد و تفاوتی بین مردم پابرهنه و فقیر حاشیه مرز، جمهوری اسلامی ایران و عربهای اشراف‌زاده ومتمول نباشد که جلوی چشمان مردم دلسوخته این مرز و بوم اقدام به شکار آهو و هوبره‌های دشتها می‌نمایند.

تکیه بر مشکلات گذشته دانشگاه آزاد: منحرف کردن اذهان از مشکلات کنونی

پیرو مطلب نوشته شده در هفته نامه نسیم جنوب در مورد «نکات قوت دانشگاه آزاد بوشهر» چند نکته به ذهن می‌رسد که لازم می‌دانم به آن هفته نامه ارجاع داده تا مطلب چاپ شده برای خوانندگان محترم قدری روشنتر شود. قبل از هر چیز باید متذکر شد، که نوشتن چنین مطلبی با توجه به این که نویسنده نامه فوق بر طبق قاعده معمول حداقل سه سال است که فارغ‌التحصیل شده و دستی از دور بر آتش دارند چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

نویسنده نامه باید چند مطلب را روشن کند اول اینکه بر اساس چه شواهد و مدارکی بیان کردند که امضاءکنندگان طومار مورد بحث در آن مقاله اکثراً غیربومی بوده‌اند؟

دوم اینکه ایشان باید بیان می‌کردند که منظورشان از نوپا بودن دانشگاه آزاد چیست؟ تا آنجا که ما اطلاع داریم دانشگاه آزاد واحد بوشهر که در یکی از استانهای محروم کشور می‌باشد چند وقت قبل به مناسبت سیزدهین سالگرد تأسیس خود مراسمی را برگزار نموده که خبرنگار آن هفته نامه هم در آن جلسه حضور داشتند. آیا سیزده سال فرصت کمی است برای توسعه؟

ایشان در مطلب خود خواسته‌اند به نوعی از این مطلب که دانشگاه آزاد مشکلات زیادی درگذشته داشته استفاده کرده و ذهن خواننده را از وجود مشکلات موجود منحرف کنند، بدون توجه به این مطلب که به گفته خودشان در زمان قبولی ایشان در دانشگاه فقط ۴ رشته در دانشگاه تدریس می‌شده و در حال حاضر ۲۲ رشته. ایشان به نوعی می‌خواهند بگویند اگر شما هم مشکلات ما را داشتید آن وقت حق اعتراض برایتان محفوظ بود. اینکه دانشجویان در آنزمان به مشکلات دانشگاه خود توجه نشان نداده و اعتراض نکرده‌اند و با این عمل خود دینی را که از جامعه برگردنشان است به جا نیاورده‌اند دلیلی برای سکوت ما نمی‌باشد. تحصیل در چنین شرایطی اجحاف به دانشجو نیست بلکه ظلم به جامعه است. و اگر ایشان به این مطلب توجه می‌کردند هرگز چنین متنی را نمی‌نوشتند. جالب اینجاست که ایشان مطالبی را برای دانشگاه فضل می‌دانند که خود نوعی اشکال نیز می‌باشد. مثلاً اگر به گفته ایشان برای دیدن مسئولین رده بالای دانشگاه احتیاج به وقت قبلی نباشد آیا با توجه به تعداد دانشجویان مسئولین وقتی برای انجام وظایف خود خواهند داشت؟ یا مثلاً ایشان این مطلب را که دانشگاه آزاد علاوه بر کمک نگرفتن از دولت به آن کمک هم می‌کنند برای این نهاد فضل میدانند؟ آیا نهادی که تمام مشکلات خود را ناشی از مشکلات مالی می‌داند لزومی دارد که به دولت هم کمک کند؟ آیا در این کشور هیچ نهاد دیگری وجود ندارد که توانایی کمک به دولت را داشته باشد.

بطور کلی می توان از گفته‌های ایشان اینطور برداشت کرد که نویسنده قصد دارد اعتبار دانشگاهی را که از آن فارغ‌التحصیل شده را در ذهن مردم یا شاید کارفرمایان بالا ببرد. « امضاء محفوظ »

آیا به این بهبود وضع می‌گویند؟!

اخیراً نامه‌ای به امضای مجهول دانشجوی فارغ‌التحصیل شدهٔ الکترونیک ورودی ۷۰ درباره نکات قوت دانشگاه آزاد بوشهر را ببینیم در هفته نامه نسیم جنوب به چاپ رسیده که مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی هم بلافاصله آن را با دستگاه کپی در قطعی بزرگتر کپی کرده و چندین نسخه از آنرا در دانشکده فنی نصب نمودند.

مگر نویسنده این نامه، ترس از شناخته شدن دارد که زیر آن را امضاء نکرده یا اسم خود را بیان ننموده؟ و یا این شخص مگر بعد از فارغ‌التحصیلی و مشغولیت به سربازی و کار چه منافعی در این واحد داشته که این نامه را نوشته است؟ چه منفعتی داشته و چه نداشته باشد باز هم ننوشتن نام سؤال برانگیز می‌نماید. حال به فرض که چنین شخصی وجود دارد این آقا که دم از بهبود وضع دانشگاه می‌زند، به این سؤال لطفاً جواب بدهد، کیفیت وضعیت دانشکده فنی کنونی با ساختمان قدیمی در کوچهٔ حاج نجف (مرکز تحقیقات فعلی) چه تفاوتی دارد؟ بهتر نشده که صد البته‌بدتر شده است. حداقل آنجا اگر کلاسها شبیه حمام بود، لااقل بزرگ بودند!! چرا که به راحتی ۴۰ دانشجو در آنها جا می‌شدند. ولی در کلاسهای کنونی چنانچه سقف کلاس از ۳۰ نفر بالاتر برود دچار کمبود جا و مشکلات برای نشستن می‌شویم. لذا مجبوریم اوقات استراحت بین کلاسها مثل (...) در خیابان روبروی آتش‌نشانی بگذرانیم و به دیوار سنگ‌فروشی روبروی در دانشکده تکیه دهیم. آیا این آقای محترم به این، بهبود وضعیت می‌گویند و این را از مواهب دانشگاه بر می‌شمرند؟

بدین ترتیب، مقام دانشجو را بسیار پائین آورده‌اند. در تمام دانشکدهٔ فنی دانشگاه آزاد بوشهر تنها ۳ کلاس استاندارد (تاحدودی) وجود دارد! (این دانشکده جمعاً آمادگی سرویس‌دهی دارد!) حال این جناب به خود انصاف بدهد و بگوید که آیا به این بهبود وضع می‌گویند؟ آیا نداشتن بوفه و محوطه استراحت بین زمان کلاسها، عدم وجود کتابخانه اختصاصی و سالم جهت مطالعه را می‌توان بهبود وضع نامید؟ البته از آنجا که من هنوز دانشجوی این دانشگاه هستم لطفاً از نوشتن اسم من خودداری کنید.

«یک دانشجوی دانشگاه آزاد»

برگزاری مسابقه دو و میدانی در دشتستان

به مناسب روز جانباز و گرامیداشت هفته بسیج یک دوره مسابقه دو به مسافت ۳ کیلومتر در دو مقطع نوجوانان و جوانان در اوائل ماه جاری در شهرستان دشتستان برگزار گردید که در پایان در مقطع جوانان نعمت‌الله قادری، محمد مرادی، هادی فخاری و در مقطع نوجوانان ارسلان مرادی، مصطفی حسن‌پور و حسن تقدمی به ترتیب مقامهای اول تا سوم را بدست آوردند.

همچنین در مسابقات دو و میدانی در رشته‌های مختلف و با شرکت کلیه باشگاههای شهرستان دشتستان، باشگاه برق برازجان به مقام اول رسید. باشگاه پاس و پرسپولیس به ترتیب دوم و سوم شدند. این مسابقات در استادیوم جهان پهلوان تختی این شهرستان برگزار گردید.

توصیه‌های پزشکی

فرهنگ مصرف دارو- آنتی‌بیوتیکها(۲)

● دکتر فضل‌الله کشاورزی

برای درمان موفقیت‌آمیز عفونت توسط آنتی‌بیوتیک، می‌بایست دورهٔ درمان آنتی‌بیوتیکی کامل شود. به عبارت دیگر قرص، کپسول، شربت یا آمپول آنتی‌بیوتیکی که به وسیله پزشک تجویز شده است، باید تا آخر مصرف شود. در صورتیکه قبل از اتمام دورهٔ درمان، با احساس بهبودی نسبی، ادامه مصرف آنتی‌بیوتیک قطع شود، امکان عود عفونت و بروز مقاومت میکروبی زیاد است. همچنین مصرف آنتی‌بیوتیک در فواصل زمانی تعیین شده (مثلاً برای کپسول آمپی‌سیلین فواصل ۶ ساعته و برای آموکسی‌سیلین فواصل ۸ ساعته) برای دریافت پاسخ مناسب الزامی است. شاید با تجویز قرص کوتریموکسازول به صورت هر ۱۲ ساعت ۲ قرص برخورد کرده باشید. تغییر سرانهٔ مصرف این دارو به هر ۶ ساعت یک قرص به هیچ وجه صحیح نبوده و باعث عدم دریافت پاسخ مناسب خواهد شد. در صورتیکه در یک نوبت خوردن داروی آنتی‌بیوتیک را فراموش کردید، به محض بیادآوردن آن را مصرف کنید، اما چنانچه تقریباً زمان مصرف نوبت بعدی نزدیک شده است، دارو را در نوبت بعدی مصرف نموده و از دو برابر کردن مقدار داروی مصرفی خودداری کنید.

نکاتی در مورد سرماخوردگی کودکان

● دکتر منوچهر قیصی‌زاده

کودکان برای ابتلاء به بیماریهای عفونی مجاری تنفسی همراه با گرفتگی بینی، سرفه و گلودرد بسیار مستعدند. کودکان خیلی بیشتر از بزرگسالان گرفتار سرماخوردگی می‌شوند و پنج تا شش بار سرماخوردگی در سال برای آنها کاملاً طبیعی است. در بیشتر موارد علت سرماخوردگی ویروسی است. ویروسهای بوجود آورنده سرماخوردگی خیلی مُسری هستند زیرا در ترشحات ریز تعداد زیادی ویروس حمل و به وسیله سرفه یا عطسه در هوا منتشر می‌شود. کودکان وقتی با یکدیگر در تماسند واقعاً غیرممکن است بتوان آنها را در مقابل سرماخوردگی حفظ کرد. خطر سرایت در دورهٔ نهفته بیماری خیلی زیاد است یعنی قبل از اینکه هیچگونه علائمی ظاهر شود کودک می‌تواند بیماری را به همبازی خود انتقال دهد بدون اینکه هیچکسی بداند که خود او دچار سرماخوردگی است. کودکان در پائیز و زمستان که مدت بیشتری در اطاق هستند بیشتر به سرماخوردگی دچار می‌شوند و مقاومت آنها از تابستان کمتر است.

نوزادان در شش ماهه اول به دلیل ایمنی مکتسبه از مادر زیاد مستعد ابتلاء به سرماخوردگی نیستند. همچنین بچه‌هائی که شیر مادر می‌خورند نیز مقاومت بالاتری در مقابل ویروس سرماخوردگی دارند. سرماخوردگی ممکن است بطور ناگهانی، چند ساعت یا چند روز بعد از آلودگی ظاهر شود. دوره نهفته بیماری یک تا سه روز است. گاهی فقط بصورت گرفتگی و خستگی ظاهر می‌شود و بندرت ممکن است همراه با تب باشد. بطور کلی دوره بیماری بیشتر از پنج تا شش روز نیست و بیماری بدون عوارض بعدی ناپدید می‌شود. اگر بیماری طول بکشد، احتمالاً عفونت میکروبی عارض شده است.

معمولاً کودک به استراحت در رختخواب احتیاج ندارد، اما باید مواظب استراحت نسبی او بود، اغلب تب خفیف است و به دارو نیاز ندارد اما در کودکانی که احتمال تشنج در آنها است تجویز داروی تب‌بر توسط پزشک ضروری است. در صورت تب، به کودک مایعات فراوان بدهید تا آبی که از دست داده است جبران شود. وقتی تب کودک برطرف شد می‌تواند به مدرسه برود در این موقع نمی‌تواند آلودگی را به دیگران انتقال دهد.

برگزاری مسابقه شطرنج در بوشهر

به مناسبت روز جانباز یکدوره مسابقه شطرنج از سوی اداره تربیت‌بدنی و با همکاری صندوق قرض‌الحسنه ابوالفضل(ع) بوشهر با شرکت ۴۳ نفر بصورت سوئیس سیستم در ۷ دوره در محل سالن ورزشی شطرنج سرای اندیشه برگزار گردید که در پایان مقامهای اول تا ششم به ترتیب به حسین اردشیرپور، هادی حیدری، رسول دلکائی، بهروز حق‌شناس، بابک کاوئیان و علی یوسفیان رسید.

دو مدال برنز برای تکواندوکاران کارگر بوشهری

تیم تکواندو کارگران استان بوشهر که در مسابقات قهرمانی کارگران در تهران شرکت نموده بود موفق به کسب دو مدال برنز گردید.

در وزن چهارم قربان حاجی دولو و در وزن پنجم سیدمحمدامین فرهی موفق به کسب مدال برنز گردیدند.

مسئولین دانشگاه آزاد بوشهر در حد توان با مشکلات برخورد کرده‌اند

مهدی نصوری (نماینده گروه برق ـ قدرت) محسن اسلامی (نماینده گروه برق ـ الکترونیک)
حمید امیرپور (نماینده گروه عمران) دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر

سردبیر هفته نامه نسیم جنوب

ضمن عرض سلام و آرزوی توفیق شما، ما جمعی از نمایندگان دانشجویان رشته‌های فنی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر در پی چاپ مطلب اعتراض‌آمیز ۷۶ نفر ـ از میان ۱۵۰۰ نفر ـ دانشجویان رشته‌های فنی این دانشگاه پس از پیگیری و تحقیقاتی که انجام دادیم ـ و نیزجهت رفع نگرانی و آزردگی بسیاری از دانشجویان ـ خصوصاً جدیدالورودها ـ که معترض مطالب مطروحه بودند، دست به قلم برده، به منظور بیان واقعیات آشکار و روشن شدن اذهان مطالب زیر را مرقوم و تقاضای درج آن را داریم:

۱ـ این که دانشگاه آزاد اسلامی نهادی است خودکفا و غیروابسته و از نظر مالی متکی به شهریهٔ دریافتی از دانشجویان امری است آشکار و بی‌نیاز به توضیح اضافی، که متأسفانه برخی از دانشجویان عزیز بدون توجه به این واقعیت روشن، خلط مبحث فرموده، مسائل آموزشی را با امور مالی درهم می‌آمیزند و ایجاد شبهه در کل سیستم مدیریتی این نهاد بزرگ دانش‌پژوهی و عام‌المنفعه می‌نمایند. در نقد این نظر و این مدعا که انتخاب واحد را که یک ماه و نیم قبل از آغاز ترم جدید صورت می‌گیرد، در راستای تأمین هزینه‌های جاری دانشگاه تلقی نموده‌اند، با قبول این واقعیت که هزینه‌های دانشگاه می‌بایست از شهریه دانشجویان تأمین شود، می‌پرسیم: چنانچه برخی از دانشجویان دروسی را نتوانند بگذرانند، باید چنین تبلیغ شود که دانشگاه باعث این مسئله شده تا شهریه مضاعف از دانشجویان دریافت نماید و به ادعای تلویحی این دوستان، حتی اساتید را وادار به آن امر نادرست مورد ادعای آنان کند؟ آیا این مدعا توهین به کل این نهاد عظیم آموزشی و خصوصاً توهین به اساتید زحمتکش نیست؟ درحالیکه اگر چنین بود ما نمایندگان قشرهای وسیعی از دانشجویان نقدکنندگان این نقیصه بودیم (و همیشه هم خواهیم بود). ضمناً با توجه به اینکه کلیه مراکز آموزش عالی (حتی دولتی) برای پیش‌بینی وضعیت ترم آیندهٔ خود اقدام به انتخاب واحد موقت می‌کنند ـ و این امر در دانشگاه آزاد اسلامی قانوناً همراه با دریافت شهریه می‌باشد (که مورد اعتراض دوستان ماست) می‌پرسیم اگر ـ چنانچه بارها مشاهده شده ـ در پرداخت شهریه به کسانی، یک ماه دیرتر هم مهلت داده شود، بعد از انتخاب واحد و رفع مشکلشان، به امور مالی مراجعه خواهند کرد مگر تا انتخاب واحد بعدی؟ ضمناً تاریخهای انتخاب واحد و حذف و اضافه همگی زودتر اعلام می‌شود تا دانشجو با توجه به این زمانبندی بتواند به فکر تأمین ترم بعدی باشد و در صورت لزوم از وام دانشجوئی استفاده کند. وانگهی در صورت نگذراندن درسی در ترم قبل با مراجعه جهت حذف و اضافه در مهلت تعیین شده توسط آموزش دانشگاه، کلیه مبلغ پرداختی درسی که پیش‌نیاز آن پاس نشده و دانشجو آن واحد جدید را برای ترم آینده انتخاب نموده مسترد می‌گردد. روشن است که این خلط مبحث جز تأثیر منفی بر روند آموزش و دانشگاه و مخدوش نمودن اذهان، نتیجه‌ای ندارد.

۲ـ مسئله دیگر مطرح شده در نامهٔ اعتراضیه، نبود یک ساختمان با امکانات رفاهی خوب است. در این مورد، اگر کمی انصاف وجود می‌داشت همه چیز حل می‌شد. یک مجموعه خوداتکاء به یکباره نمی‌تواند دست به خانه تکانی بزند و یا ساختمان مدرن با امکانات رفاهی کامل فراهم کند، در دراز مدت این توقع بی‌جا نیست و این را هم رشد کمی و کیفی دانشگاه آزاد در طول عمر کوتاه خود نشان داده است، و آینده نیز نشان خواهد داد که بهتر از این خواهد شد. اما یک سؤال ساده در این مورد پیش می‌اید که: آیا آن زمانی که امکانات رفاهی دانشگاه به مراتب کمتر از این بود، کسی فارغ‌التحصیل نشد؟ یا همه از لحاظ علمی ضعیف از دانشگاه خارج شدند؟ یا از آن فارغ‌التحصیلان در هیچ جای کشور استفاده نشد؟ در حالیکه می‌دانیم کلیه آنها در همه رشته‌ها در یک ساختمان مسکونی که امروز مرکز تحقیقات و مطالعات دانشگاه لقب گرفته، درس خوانده‌اند و چهره‌های ممتازی ـ به شهادت اساتید و مردم ـ از میان آنها برآمده و بالیده‌اند که کم نظیراند، و امروز هم که دانشگاه آزاد واحد بوشهر وضعیتی به مراتب بهتر از گذشته دارد، بی‌شک شاهد جلوه نمودن چهره‌های درخشانتری خواهیم بود.

۳ـ نمی‌دانیم این معیار از کجا آمده که ملاک یک دانشگاه خوب ساختمان‌های مدرن و امکانات رفاهی و میزهای خوش‌ریخت و زیبا باشد. نه علم و دانشی که از مجموعه مقدور موجود نصیب دانشجو شود؟ انگار نه انگار که ما در سرزمینی زندگی می‌کنیم که فارابی‌ها، بوعلی‌ها، ابوریحان و ملاصدراها از آن برخاسته‌اند که خود بر متکائی تکیه می‌دادند و فرزانگانی بر حصیر و بوریا نزد آنها تلمذ میکردند. اگر می‌گوئیم زمان ما زمان دیگری است، باشد. اما فراموش نکنیم که ما از برکت انقلاب پرشکوه اسلامی، ده پانزده سالی بیش نیست که بهره‌ور از این همه مجموعه‌های آموزشی عالی شده‌ایم که پیشتاز آنها دانشگاههای آزاد است. و با اندگی انصاف می‌توانیم به خود ببالیم که در همین زمان اندک ـ با حفظ نسبت ـ بیشترین دانشجویان را در میان کشورهای هم سطح خود به تحصیل واداشته‌ایم.

۴ـ ما در حال حاضر در دانشکده فنی، (با استاندارد یک به ۳۰) بیشترین نسبت استاد به دانشجو را دارا هستیم. استادانی با مدارج عالی علمی حتی فوق دکترا. و اگر بحث درخصوص مدرک لیسانس در این دانشکده شده، آنچه از تحقیقات ما نمایندگان به دست آمده، صرفاً کارشناسان آزمایشگاهی بوده و لاغیر، و می‌دانیم که بسیاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاد بوشهر در دانشگاههای معتبری چون دانشگاه شهید بهشتی و تبریز در مقطع کارشناسی ارشد پذیرفته شده‌اند که خود ناشی از فعالیت کادر علمی این واحد در جهت ارتقاء سطح کیفی آموزشی این دانشجویان بوده است.

۵ـ مطلب دیگری که می‌بایست به آن اشاره کرد این است که ما عادت نکرده‌ایم که سلسله مراتب را رعایت کنیم و در این راستا حرکت کنیم. به عنوان مثال هرگاه دانشجوئی یک مشکل آموزشی پیدا کند بدون درنظر گرفتن سلسله مراتب، در اتاق معاونت محترم آموزش را زده و مشکل خود را بازگو می‌کند درصورتی که در یک دانشکده فنی و مهندسی دانشجو بعد از اینکه جواب درستی از مدیر گروه و بعد معاون آموزش دانشکده و بعد رئیس دانشکده دریافت نکرد آنگاه به رده‌های بالاتری نظیر مدیر آموزش و بعد مسئول آموزش، آنگاه معاون آموزش کل دانشگاه رجوع کند و واقعاً جای تشکر دارد که معاون آموزش دانشگاه بدون هیچ نظری به سلسلهٔ مراتب که توسط دانشجو رعایت نشده پاسخگوی مشکلات او می‌شود. بنابراین، آیا تا به حال ما برای اینکه از میزان ارتباطی که می‌توانیم با مسئولین دانشگاه برقرار کنیم، به ادارات و مراکز آموزش عالی و دولتی دیگر رجوع کرده‌ایم؟

۶ـ با تمام این تفاصیل ما نیز به این واقفیم که در پیشرفته‌ترین دانشگاههای دنیا نیز اموری جهت اعتراضات دانشجو در دانشگاه باقی می‌ماند که باید به مسئولین مربوطه عنوان کرد و بارها در این زمینه ما مواردی را عنوان کرده‌ایم که مسئولین دانشگاه با آغوش باز در حد توان با این موارد برخورد کرده‌اند که به عنوان مثال می‌توان تأیید برنامه‌ریزی دروس از لحاظ استاد، روز دروس ذکر شده و تاریخ امتحان دروس نام برد.

در یک نامه سرگشاده

درخواست ۱۴۶ تن از دانشجویان دانشگاه آزاد بوشهر برای بازگشت به کار رئیس دانشکده علوم انسانی

جمعی از دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر در یک نامه سرگشادهٔ به استعفای رئیس دانشکده علوم انسانی این دانشگاه اعتراض کرده و از مسئولین این دانشگاه درخواست نمودند تا زمینه بازگشت فوری دکتر بصری را به ریاست دانشکده علوم انسانی فراهم سازند. در این نامه که نسخه ای از آن به دفتر هفته نامه رسیده، آمده است:

بارها مطالبی را در مورد مشکلات دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر در روزنامه‌های مختلف می‌خواندیم و ما هم موافق گفته‌های آنها بودیم ولی به قول معروف سرمان در لاک خودمان بود و جرأت ابراز احساسات نداشتیم، نه اینکه مشکل نبود بلکه ما صبور بودیم، تا اینکه کاسهٔ صبرمان لبریز شد و ماهم جرأت دست به قلم شدن را پیدا نمودیم. در جامعه‌ای که قانونمندی و آزادی بیان در آن شعار اصلی است چرا باید یک عده از افراد، با قانونمند بودن و آزادی افراد لایق به مبارزه برخیزند. چرا دکتر بصری که از استادان برجسته و فردی لایق و دلسوز را که همهٔ دانشجویان را فرزندان خود می‌خواندند و پابه‌پای دانشجویان حرکت می‌نمودند و در یک جمله بگوئیم حرف دل دانشجو را می‌فهمیدند باید مجبور به استعفا شوند.

فردی که با وجود داشتن سن و سالی که شاید خیلی از ماها فرزندان او بودیم می‌گفت من خدمتگزار شمایم. فردی با این شخصیت کار کردن را ننگ نمی‌دانست و همراه با خدمتکاران دانشکده قالیهای نمازخانه دانشکده را از طبقه سوم بر روی شانه‌های خود حمل نمود و برای شستن به حیات دانشکده اورد. آیا تا به حال دیگر کارکنان این دانشگاه دست به چنین کاری زده‌اند؟ آیا تا به حال این فکر را کرده‌اند که دل دانشجویان از جنس سنگ نیست و بالاخره ممکن است با کارهائی که آن را قانونی تلقی می‌کنند فوران کرده و خشم دانشجویان را برانگیزد؟

دکتر بصری در طول مدت یکی دو ماهی که به ریاست دانشکده انتصاب شده بودند برای ما دبیرستان را به دانشگاه تبدیل کردند، شاید حالا می‌خواستیم مزه دانشگاه رفتن و دانشجو بودن را بچشیم. ما جمعی صد نفره از دانشجویان دانشکده علوم انسانی نسبت به این موضوع شدید معترض بوده و برای صحت گفته‌هایمان امضاء نموده‌ایم و خواستار بازگشت فوری ریاست دانشکده هستیم و می‌خواهیم که مسئولین با تشکیل جلسه‌ای در دانشکده علوم‌انسانی علت تعویض پی‌درپی رؤسای دانشکده علوم‌انسانی را طی چند ماهی که دانشکدهٔ علوم‌انسانی وقتی مجزا گردیده‌اند را بیان کنند و علت استعفای مرموز دکتر بصری را از سمت ریاست دانشکده جویا شویم.

از مسئولین محترم خواهشمندیم هر چه سریعتر در این مورد اقدام نمایند، هر چند که می‌دانیم تنها چیزی که در دانشگاه آزاد اسلامی اهمیت ندارد نظر دانشجو است و برای این مسئله دانشگاه تبصره و توجیه خواهد آورد و حرفهای ما را انکار خواهد کرد، ولی خوبست بقیه افراد جامعه از دل ما باخبر شوند.

انتخابات شوراها و سخنی با مردم و نمایندگان مجلس

● جمال صولتی

بالاخره پس از نزدیک به دو دهه از استقرار جمهوری اسلامی در ایران، به همت دولت مردمی آقای خاتمی و با همهٔ کارشکنی‌های جناح راست سنتی، انتخابات شوراها بطور جدی در دستور کار حکومت قرار گرفت.

از زمان اعلام آمادگی دولت برای برگزاری این انتخابات تا کنون، پیرامون شوراها و عمدتاً در محاسن آن، مطبوعات و صاحبنظران مسائل سیاسی و اجتماعی، مباحث فراوان و متنوعی را به میان کشیده‌اند. گسترهٔ این مباحث و اظهارنظرها نیز بقدری بوده است که به نظر می‌رسید بیان هرگونه گفتگوی دیگری در این خصوص، زائد و غیرضروری باشد. ولی واقعیت این است که هنوز نکات ظریف و در عین حال مهمی وجود دارد که پرداختن به آنها، الزامی است. اما آنچه که قصد بیان آن را داریم، بیش از آنکه مربوط به جنبه‌های خاص مقولهٔ شورا باشد، به نکاتی عنایت خواهد داشت که بیشتر به مسائل منطقه و استان بوشهر مربوط می‌شود. یعنی درواقع، سخن کوتاهی است با مردمی که باید انتخاب کنند، و انتخاب شوند، و نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی که قانوناً نظارت بر اجرای این امر مهم را بر عهده دارند.

ظاهراً مهمترین بخشی که به مردم ارتباط پیدا می‌کند، گزینش و گزینه شدن است. بدیهی است که انجام این فعالیت جمعی و مشارکت عمومی که یکی از وجوه قابل اعتنا و مهم جوامع مدرن است، زمانی می‌تواند به نتیجه و هدف غایی‌اش که همانا اداره مملکت توسط مردم و اعمال حاکمیت توده‌ها بر سرنوشت و سرزمینشان است، برسد، که بستر اجتماعی این فعالیت و مشارکت همگانی، از سلامت و کارآیی لازم برخوردار باشد و آنچه که می‌تواند مؤید این صحت و کارآمدی باشد، وجود شرایطی است که اهم آنها را می‌توان بدینگونه خلاصه نمود:

۱ـ عدم دخالت حکومت ـ بطور مطلق ـ در گزینش و تعیین افرادی است که مردم باید آنها را انتخاب کنند، بدیهی است چنانچه حکومت و یا جناحائی از آن، با ناآگاه و نابالغ شمردن مردم، آنها را بر سر سفره‌هایی بنشانند که فقط «آش کشک خاله» را در آن قرار داده باشند، نه این انتخابات انتخابات است، و نه آن فردی که مصدر امر می‌شود، نماینده واقعی مردم است. ۲ـ کاندیدها باید بتوانند گروههای فکری و صنفی متنوع جامعه را نمایندگی کنند، زیرا در اینصورت است که تمامی صاحبان ایده‌ها و اصناف مختلف اجتماعی، قادر خواهند شد که نمایندگان خود را در شوراهایی که قرار است برای کل مردم تصمیم‌گیری نماید، مشارکت دهند. ۳ـ باید زمینه‌ای فراهم شود که کلیه کاندیداها بتوانند بطور آزادانه و بصورتی عادلانه، از امکانات تبلیغی و رسانه‌ای جامعه برای معرفی خود و برنامه‌ها و اهدافشان، استفاده مطلوب و بهینه را بنمایند.

پرواضح است که در صورت وجود چنین بستر اجتماعی مناسبی است که مردم با احساس مسئولیت و شور و شوق کافی، در انتخابات شرکت خواهندکرد و در تعیین سرنوشتشان مشارکتی جدی و درخور توجهی می‌نمایند. ولی متأسفانه از آنجا که با توجه به سوابق امر و ظواهر موجود، و نیز شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، دستیابی مطلق بر چنین ایده‌آلی، ناممکن بنظر می‌رسد، ضرورتاً ایجاب می‌نماید که به منظور دسترسی به حداقل‌هایی که مطلوب جامعه است، مردم (انتخاب‌کنندگان) با رعایت جدی موارد زیر، مجتمعاً و بصورتی فعال، در انتخابات شوراها شرکت نمایند:

۱ـ به افرادی رأی دهند که از هر جهت، نسبت به آنان شناخت و آگاهی کامل دارند. ۲ـ افرادی را برگزینند که قبل و بیش از هر امر دیگری، به آزادی‌های اجتماعی ـ سیاسی مردم و استقرار جامعه مدنی و رعایت حق و حقوق قانونی و انسانی عموم شهروندان که خواست قلبی آحاد جامعه است، اعتقاد و التزام اثبات شده‌ای داشته باشند. ناگفته پیداست که افرادی که تا دیروز ـ و حتی اکنون ـ در زمرهٔ سرکوبگران مردم بوده و با راه‌اندازی یا شرکت در گروههای فشار و ایجاد رعب و وحشت در جامعه ـ تحت هر عنوانی ـ امکان ابراز وجود و نشر را از دیگران سلب کرده و می‌کنند، به هیچ وجه نمی‌توانند در جهت خواسته‌ها و نیازهای متنوع اقشار مختلف‌الرأی مردم، حرکت کنند. ۳ـ بدون شک، از میان کسانی که کاندید عضویت در شوراها خواهند شد، بعضی‌ها در ادارات، نهادها و مؤسسات عمومی و دولتی، دارای مقام و موقعیتهایی بوده‌اند، در خصوص این افراد باید به عملکرد آنان در مشاغلی که داشته‌اند، عنایت ویژه‌ای مبذول شود. زیرا فردی که در هنگام بدست داشتن قدرت و اختیارات دولتی، در مسیر ضدیت و معارضه با مردم قرار داشته و موجبات نارضایتی فردی و عمومی جامعه را فراهم نموده و به قلع و قمع همکاران اداری خود مشغول بوده است، بدون شک به شوراها نیز جز به عنوان ابزار دیگری برای اذیت و آزار مردم و خالی کردن عقده‌های شخصی خویش، نمی‌نگرد. ۴ـ مردم باید نسبت به شناخت فرصت‌طلبان و ابن‌الوقتهای ظاهرالصلاح که عموماً جز به کسب و حفظ منافع مادی و گروهی خود، به چیز دیگری نمی‌اندیشند، دقت در حد وسواسی از خود نشان دهند. فراموش نکنیم که در اوایل انقلاب و در میان برخی از افراد صالح و صادق همان به اصطلاح شوراهای نیمبند سابق، بودن افرادی که در پشت مسلمان نمایی دو آتشه، چگونه با سوءاستفاده از امکانات و نام شوراهای مذکور، زمینه‌های لازم را برای سرمایه گذاری‌های شخصی، فراهم نمودند. بدون تردید انتخاب مجدد این زاهد نمایان کج‌اندیش، صحنه را برای کج‌دستی‌ها و ترکتازی‌های بیشتر آنان، فراهم خواهد ساخت.

و اما سخنی هم با هیئت نظارت بر انتخابات شوراهای استان، یعنی نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی: آقایان محترم! خوشبختانه هر سهٔ شما، پرورش یافتهٔ محیطی هستید که با امکانات محدود خود، و یاری‌رسانی جمعی مردم محرومش، زمینه را برای دستیابی شما به مقامات شامخ سیاسی و اجتماعی مملکت، فراهم ساخته است. بنابراین، به لحاظ اخلاقی و عاطفی، شما مدیون سرزمین و مردمان دیار خود هستید. ضمن آنکه از منظر حقوقی نیز، چون به هر صورت وکیل مردم به حساب می‌آئید در مقابل آنها مسئول و موظفید و فراموش نفرمائید که در آینده، چه وکیل مجلس باشید و چه نباشید، خود و فرزندان و بستگان شما، به لحاظ تعلقاتی که به سرزمین آباء و اجداد خود دارید، مجبور به زیستن در این محدوده و محیط و در جمع همین مردم هستید. پس این سفارش را جدی داشته باشید: چنانچه خدای ناکرده، مفتون و مجذوب موقعیت موقت کنونی خودشده‌اید و امید به وعده‌های برخی از گروههای قدر قدرت مرکز، بسته‌اید، از یاد نبرید که اگر روزی همین همولایتی‌هایی که شما را به این مقام رسانده‌اند به شما پشت کنند، دیگر هیچ صاحب قدرتی در مرکز، وجودتان را به چیزی نخواهد گرفت، زیرا در دنیای سیاست، هیچ حاکمی، به عناصری که در مورد نفرت مردم باشند، احتیاج نخواهد داشت. تاریخ از این حکایت‌ها زیاد دارد. پس عقل سلیم و درایت و دوراندیشی حکیمانه چنین اقتضا میکند که این برادران به جای اطمینان کردن و دل بستن به حمایتهای مقطعی و مصلحتی برخی از جناح‌هایی که هر دور مقبولیت مردمی خود را بیش از پیش ازدست می‌دهند، پشتگرم به حمایت و پشتیبانی قدرت لایزال مردمی باشند که به شهادت تاریخ، راقمان اصلی و نهائی سرنوشت حاکمان و صاحبان قدرتند. پس شایسته است که آقایان، اشتباهی را که در جریان انتخابات ریاست جمهوری مرتکب شدند، تکرار ننموده و ضمن رعایت کامل بیطرفی به ویژه نسبت به حساسیتهای خاص منطقه‌ای و محلی که هرگونه بی‌توجهی به آنها میتواند فجایع اسفباری را به دنبال داشته باشد، خود را در مسیر خواسته‌ها و تمایلات از قبل اعلام شده عمومی قرار دهند، بدون شک، عملکرد عادلانه و بدور از هرگونه طراحی‌های توطئه‌آمیز گروهی جناحی، می تواند گرد کدورتی را که هنوز هم بر چهره مردم نشسته است، برای همیشه پاک نموده و زمینه را برای انتخاب مجدد این آقایان در انتخابات آینده مجلس شورای اسلامی، انشاءالله مهیا سازد. والسلام

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر عبدالامیر خلف‌پور

مدیرمسئول و سردبیر: یونس فیصی‌زاده

مدیراجرایی: مهندس محمد مهدی بنچاری

مدیر فنی: حسین ابوالحسنی

چاپ و لیتوگرافی: چاپخانه علوی بوشهر، خیابان امام، خیابان شهید حیدری ـ تلفن ۲۷۷۹۷

آدرس: بوشهر، روبروی استانداری

دفترهفته‌نامه نسیم جنوب

تلفن: ۳۳۴۴۶ صندوق پستی: ۱۱۹۹

● نسیم جنوب در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

● مطالب فرستاده شده باز گردانده نمی‌شود.

● مقالات درج شده با امضاء اشخاص، حاوی نظرات نویسندگان است و منعکس کننده دیدگاههای نشریه نیست.

آیا جائی برای امتحان گرفتن وجود ندارد؟

نکته جالبی که اخیراً در دانشکده فنی دانشگاه آزاد بوشهر، دانشجویان با آن مواجه شده‌اند، کمبود جای کافی برای انجام امتحانات است. نهایت اینکه به تازگی امتحانات در مسجد آذربایجانیها جنب دانشگاه برگزار می‌گردد. سؤال و شبهه کار در این است که آیا اصولاً مسجد جای امتحان گرفتن است؟ آیا بدین ترتیب ما قداست یک مکان مذهبی را خدشه‌دار نکرده‌ایم؟ آیا مگر تعدادی انگشت شمار دانشجو وجود ندارند که ممکن است در سر جلسه شیطنت کنند؟ آیا این کار حرمت مسجد را خدشه‌دار نمی‌کند؟ تازه، این یک مورد است. تا به حال چندین جلسه و کنفرانس هم در این مسجد برگزار شده است و می‌شود. فقط کم مانده تئاتر و سرود و مسابقات ورزشی دانشگاه در این مکان که محل نماز و عبادت است اجرا گردد. امید است که مسئولین دانشگاه به خود بیایند و حرمت مقدسات را نگه داشته و از بهانه دادن به دست افرادی مثل اینجانب جهت انتقاد، جلوگیری نمایند. «امضاءمحفوظ»